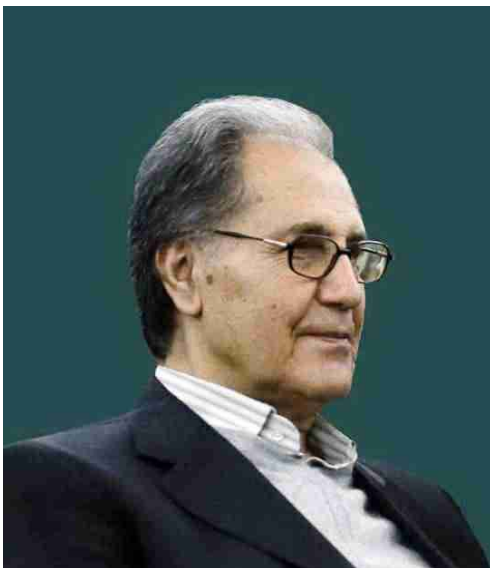


قانون مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری بانسی

برای نخستین بار،
برگزاری سمینار آموزشی فرصت های سرمایه گذاری منطبق با مدل ویپا





در ضرورت همگرایی سازمانی

شکور آربین خواه

تقویت جایگاه و برآورد این نهاد است که مستلزم همفکری و همگرایی جدی بین اعضاست که تحقق نشدن آن، به مثابه هدر دادن همه تلاشهای صورت گرفته و عقیم گذاشتن همه دستاوردهایی است که تا امروز حاصل شده است.

توقف و انسداد در حل و فصل پارهای از مشکلات در هر نهادی بدان دلیل است که عدم اجماع میان نیروهای صاحب فکر آن نهاد، به نوبه خود ظرفیت های موجود را نیز بلااستفاده می گذارد؛ به سخن دیگر، ضعف در مشارکت عملی همگانی در برنامه های نهاد، سیاست گذاری رکن راهبردی را نیز زائل و ابر می کند.

آنچه حائز اهمیت است توجه به موانع و محدودیت های تحقق این هماهنگی ها و البته اندیشیدن به توانایی خود و سایر اعضا در همکاری برای رفع این مشکلات است. با قبول اینکه پویایی هر نهادی حاصل تضارب آرا و طرح حرفه ای مباحث سازمانی است باید اذعان داشت که همین تفاوت های فکری در صورت مطرح نشدن، رد پای خود را در نحوه تمشیت مسائل اصلی نهاد، نشان خواهد داد.

روابط عمومی کانون بر آن است که با بهره مندی از برآیند دیدگاه های اعضای کانون، به سمت «گفت و گوی سازمانی گسترده» حرکت کند و با طرح نظرها و دیدگاه ها از طریق همه امکانات ارتباطی در اختیار، در هر زمان صورت مسأله ها را مشخص و راهبردهای حل و فصل آنها را به بحث بگذارد. مهم آن است که تمام اعضای مؤثر بر «بایستگی اجماع»، «همدلی» و «همفکری» واقف شده و به سمت استفاده هر چه بیشتر از روش ها و تکنیک های اجماع در عرصه سیاست گذاری و مدیریت کانون حرکت کنند.

اندیشه ورزی انتقادی که سرلوحه کار روابط عمومی است، تجزیه و تحلیل بازخوردهای دریافتی را ضروری می سازد. امیدواریم که همراهی و تعامل هر چه بیشتر اعضا در سال های پیش رو، یاریگر ما در هموار ساختن مسیر توسعه کانون باشد. «که دراز است ره مقصد و من نوسفرم»

اکنون که با شماییم، بیش از یک دهه از عمرکانون و به تبع آن نشریه داخلی نهاد، سپری شده است. سال هایی که گذشت با فراز و نشیب های بسیار همراه بوده است. لحظاتی که گاه دلنشین و امیدوار کننده بوده است و گاه چنان تاب و توان رفته که باز ایستادن و ادامه مسیر را جانی دوباره می بایست. این جان دوباره چه بوده است، جز هم قدمی و هم اندیشی با مشاوران عضو کانون که به حق از جمله مغزهای متفکر و نیروی های نخبه جامعه اند. اعضای که با چالش ها و فرصت های پیش روی تشکل ها آشنا شدند و به خوبی واقفند، پایه های استمرار فعالیت تشکل ها بر تعامل، گفتگو و همکاری اعضای آن استوار است. آنگاه که اعضای نهادی با نگاهی موشکافانه به تذکر کثرونی های احتمالی و راهکارهای اصلاح آن می پردازند، از سویی موجبات بالندگی و رشد آن نهاد را فراهم می آورند و از سوی دیگر سیاست گذاری های تشکل بر خواست و دیدگاه اعضا مبتنی خواهد بود.

همکاران شما در روابط عمومی با اعتقاد بر اینکه این واحد به عنوان رابط بین اعضا و کانون می بایست با شناسایی نقاط ضعف و انتقال آن به رکن سیاست گذار کانون، از تکرار روندهای ناصحیح جلوگیری کنند، علاوه بر ادامه برگزاری جلسات هم اندیشی در آینده نزدیک، نظرسنجی از اعضا را اولویت خود می دانند به شرط آنکه اعضای کانون به عنوان بازوهای توانمند روابط عمومی در کنار ما باشند.

یکی از راهگشاترین روش ها برای حفظ رشد و تعالی هر نهادی، پذیرش درک مشترک و توافق عملی بر سر مسائل، مصالح، فرصت ها و ضرورت تفاهم و همکاری همه اعضای آن است. تا آنجا که حافظه روابط عمومی نشان می دهد اعضای شورای عالی به ویژه ریسان شورا در ادوار مختلف در هر مناسبت، به لزوم اجماع و همدلی تمام نیروهای اهل نظر کانون تأکید داشته اند. در واقع اگر درست نگاه کنیم یکی از اولویت های کنونی کانون،



سمینار آموزشی فرصت های سرمایه گذاری منطبق با مدل وایپا



سمینار آموزشی فرصت های سرمایه گذاری

• تاثیر ریسک نوسانات ارز و قوانین مالیاتی در سرمایه گذاری

خارجی

ریسک نوسانات ارز و قوانین مالیاتی از جمله فاکتورهای قابل توجه درباره انتخاب محل سرمایه گذاری است.

به گزارش خبرنگار "نامه فرهنگ"، سمینار فرصت های سرمایه گذاری خارجی منطبق با مدل انجمن جهانی توسعه سرمایه گذاری خارجی «وایپا WAIPA» صبح امروز (شنبه) توسط کانون در سالن امین الضرب ساختمان تشکل های اتاق بازرگانی برگزار شد. علیرضا شیرمحمدی در این سمینار گفت: متوسط تولید ناخالص داخلی ترکیه در ۴ سال اخیر ۳۰۰ میلیارد دلار از ایران جلوتر بوده و در صورتی که روند رشد کنونی را داشته باشیم، این کشور فاصله خود را با ایران بسیار بیشتر هم خواهد کرد.

مدرس سمینار با اشاره به اشتغالزایی سرمایه گذاری خارجی گفت: از ۳۲ میلیون فرد شاغل در انگلیس، ۵ میلیون نفر بدلیل سرمایه گذاری مشغول به کار هستند. شیرمحمدی افزود: رقابت بر سر منابع ارزان تر داخلی توسط سرمایه گذاران خارجی وجود دارد. وی در تشریح امتیازهای قانون در ایران برای سرمایه گذاران خارجی گفت قانون سرمایه گذاری خارجی ایران صراحتاً می گوید که هر کاری شرکت های خصوصی می توانند انجام دهند، سرمایه گذاران خارجی هم

سرمایه گذاران خارجی عمدتاً از بخش خصوصی هستند و شاید دولت طرف مناسبی برای مذاکره با آنها نباشد اما در دنیا می بینیم که دولت ها تلاش دارند خود را به آنها نزدیک کند. دولت بازاریاب خوبی نیست ولی دنیا به سمتی رفته که دولت ها خود را هم سطح بخش خصوصی کرده اند تا امکان جذب داشته باشند.



می توانند انجام دهند.

دکتر علیرضا شیرمحمدی اظهار داشت: کانادا برای جذب سرمایه گذاری خارجی ۲۱۸ میلیون دلار بودجه اختصاص داده ولی ما نمی دانیم که سازمان سرمایه گذاری خارجی در ایران چه بودجه ای را در سال برای این منظور در اختیار دارد.

وی ادامه داد: دولت چین با توجه به چشم انداز توسعه ۲۰۲۵ خود، شهرک های صنعتی را از کشورهای کوچک مانند سنگاپور منتقل کرده و ما هم در ایران به علت وسعت سرزمینی این ظرفیت را داریم.

وی ادامه داد: سرمایه گذاران خارجی عمدتاً از بخش خصوصی هستند و شاید دولت طرف مناسبی برای مذاکره با آنها نباشد اما در دنیا می بینیم که دولت ها تلاش دارند خود را به آنها نزدیک کند.

دولت بازاریاب خوبی نیست ولی دنیا به سمتی رفته که دولت ها خود را هم سطح بخش خصوصی کرده اند تا امکان جذب داشته باشند.

شیرمحمدی به بزرگترین سرمایه گذاری خارجی در منطقه خاورمیانه اشاره کرد و افزود: بزرگترین سرمایه گذاری خارجی در منطقه متعلق به شرکت علی بابا چین برای توزیع کالاهای خود از نظر لجستیکی بوده و صرفاً نباید بدنبال تولید کالا یا ایجاد کارخانه با سرمایه گذاری خارجی باشیم.





اصغر حضرتی، کارشناس اعتبارات بانک صنعت و معدن

گزارشگر: آرزو ضیایی



ایران با کشورهای منطقه است. اگر هدف سران مملکت ورود سرمایه خارجی به کشور باشد تا ایجاد اشتغال و توسعه شود طبیعتاً شناخت مزیت‌های این سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران اهمیت زیادی خواهد داشت. بنابراین باید مزیت سرمایه‌گذاری در کشور خودمان را در شاخه‌های مختلف شناسایی کرده و همچنین مقایسه‌ای با منطقه خود داشته باشیم. در نهایت اگر قصد توسعه ایران در مقایسه با کشورهای اروپایی باشد قطعاً این اتفاق رخ می‌دهد. اگر با موضوع IPA ها از دید کاربردی و تخصصی جلو برویم خروجی بسیار بهتری دارد، البته در این میان بانک‌ها نیز باید مزیت‌های سرمایه‌گذاری را ایجاد کنند. هرچند سیاستمداران خط و مشی مردم را تعیین می‌کنند، اما بانک‌ها نیز باید از فرصت‌های ارائه شده از سوی شرکت‌های مشاور استفاده کنند و توسعه را باید از جنبه بین‌المللی در نظر بگیرند. در واقع با ارزیابی وضعیت فعلی مشخص شود بازه زمانی موردنظر برای رسیدن به هدف مدنظر چقدر است. به طور طبیعی بانک در راستای هدفی که به عنوان یک منبع پول و سرمایه در راستای تسریع توسعه کشور دارد خط و مشی مناسب را باید به آگاهی مشاوران برساند تا آنها دیدگاه مدنظر بانک را در مورد گزارش نویسی بکار گیرند. خط و مشی کلی بانک صنعت و معدن در راستای همکاری با کانون مشاوران بسیار مناسب است، اما باید در عمل شاهد تغییر رویکرد بانک نسبت به کانون باشیم. در هر صورت عملکرد این بانک بر گزارش‌های کارشناسی استوار است. بنابراین اگر کار به مشاوره کار آشنا سپرده شود طبیعتاً گزارش ارجاع شده به هیأت مدیره بانک نیز بر مبنای گزارشی مطلوب خواهد بود. * مشاوران باید به بحث ارتباطات زبانی مانند زبان‌های خارجی اهمیت بیشتری دهند. مشاوران خارجی بازخوردها و دیدگاه‌هایی نسبت به بحث مشاوره در ایران دارند که اگر کانون بتواند فضایی را برای حضور این مشاوران در سمینارهای آموزشی فراهم کند دیدگاه آنها در مورد مسأله سرمایه‌گذاری برای اعضا روشن‌تر می‌شود و آنها سطح کیفی مشاوران خود را با کشورهای دیگر هم‌تراز می‌کنند. در نهایت این موضوع بر کیفیت و کارایی مشاوران تأثیرگذار است. ذکر این نکته ضروری است که هر مسئول بانک باید مشاور را به عنوان دوست و همراه ببیند، زیرا هدف اصلی هر دو، سرمایه‌گذاری اصولی در کشور است. بنابراین باید از زحمات همکاران مشاور به درستی استفاده شود و بازخوردهایی نیز به آنها از نحوه مشاوره شان داده شود. علاوه بر این یکی از نقاط ضعف در مورد ظرفیت سرمایه‌گذاری در کشور کمبود اطلاعات است و اطلاعات مناسبی به سرمایه‌گذار داده نمی‌شود، اگر بتوان در کانون بازخورد گزارش‌ها را بررسی و اطلاعات آنها را جمع‌آوری کرد بسیار خوب خواهد بود.

ایجاد IPA ها و تخصص‌گرایی آنها کمک‌شایانی به شناخت محیط کسب و کار می‌کند. طبیعتاً بانک‌ها از این نظر که بحث سرمایه‌گذاری مطرح است علاقه‌مند هستند در جایی سرمایه‌گذاری کنند که از بازگشت سرمایه مطمئن باشند و در این راستا از کمک‌های IPA ها به خوبی استفاده می‌کنند. اگر IPA ها از وجه قدرت تشخیص درست برخوردار و از کمک‌های مشاوره مناسبی بهره‌مند باشند به سرمایه‌گذار خارجی کمک می‌کنند که براساس مزیت‌های اقتصادی در کشور به سرمایه‌گذاری اقدام کنند. طبیعتاً اولویت اصلی برای بانک نیز هزینه‌کرد سرمایه در جای مناسب و بازگشت آن است و با تغییر این رویکرد، مشاوران بانک رغبت بیشتری برای استفاده از کمک‌های مشاوره‌ای خواهد داشت. همچنین بازخورد رفتار IPA ها با توسعه آنها ارتباط مستقیم دارد.

* در سمینار برگزار شده به برخی از این موارد اشاره شد، بحث بر سر مزیت‌های رقابت منطقه‌ای ایران و همچنین مقایسه

ادموند میرزاخانیان، مدیرعامل و نایب رئیس شرکت سنجش امکان طرح



داده و درباره موضوعات و آخرین دستاوردهای علمی مجموعه پزشکی تبادل نظر می کنند؛ موضوع اقتصاد نیز مستثنی از این قاعده نیست و بحث سرمایه گذاری های یکی از بحث های بسیار پویا در اقتصاد است. به این دلیل به نظر تشکیل دوره های فرصت های بازآموزشی و به اشتراک گذاری ایده ها و نظرها می تواند به میزان زیادی به اشتراک گذاری دانش و تخصص میان اعضا کمک کند. با ایجاد مکانیزم تعاملی میان مدرس و شرکت کننده ها، این دوره ها پویاتر برگزار می شوند و نباید صرفاً به صورت مونولوگ توسط استاد باشد. شرکت کنندگان باید بتوانند مشارکت بیشتری در پیشبرد طرح داشته و سمینارها به صورت کارگاه های آموزشی انجام شوند.

❖ کارگاه های رایج در سراسر دنیا باید در کانون برگزار شوند، کارگاه هایی مانند چگونگی جذب سرمایه گذار، مسائل مربوط به آموزش و نحوه ارزیابی سرمایه گذاری ها، چگونگی نظارت بر فرآیند سرمایه گذاری ها و هر آنچه کمک می کند که ساختار کانون از یک ساختار غیرمتشکل به یک ساختار متشکل تبدیل شود.

❖ آموزش یکی از ارکان اصلی هر سیستم است و بازآموزی باید به طور مشخص در تمام سیستم ها وجود داشته باشد. در واقع همانگونه که پزشکان نیازمند بازآموزی هستند و هر چند سال یک بار کنگره های پزشکی را تشکیل

مسعود شیویاری، شرکت مهندسین مشاور پولاد

❖ این آموزش ها همواره مفید بوده و هستند، اما استفاده بیشتر از آنها در گرو تقابل این آموزش ها با الگوهای بین المللی و به روز جهانی است. کشور در این برهه نیازمند سرمایه است و با چشم انداز موجود این سرمایه ها وارد ایران می شوند. سرمایه و تکنولوژی رابطه مستقیم دارند و لازم و ملزوم همدیگرند. بنابراین در صورتی که سرمایه وارد کشور شود باید به تکنولوژی روز دنیا مجهز بود و این به معنای نیازهای آموزشی مستمر است. ایران در این زمینه جایگاه خود را در دنیا دارد.

❖ در حوزه فعالیت کانون نرم افزارها و روش های مختلفی وجود دارد و یکی از این دوره های مفید سرمایه گذاری خارجی است که به بررسی متدهای مختلف سرمایه گذاری در آن پرداخته می شود. همچنین یکی از مشکلات کنونی کشور نوع بررسی و ارزیابی طرح های مالی و فنی است، زیرا امکان سنجی کنونی با توجه به فرم های موجود بانکی به نظر ناقص است و با شکل ها و نرم افزارهای بین المللی مانند نرم افزار ساخت شرکت یونیدو فاصله بسیار زیادی دارد. بنابراین در نهایت اختلاف زیادی با برآوردهای برنامه ریزی و مطالعه شده داریم، زیرا فرمت های موجود استاندارد نیستند. در نهایت باید گفت یکی از آموزش های مورد نیاز برای کانون وفق پذیری صنعت و سرمایه با تکنولوژی روز است.

❖ با توجه به آنکه نزدیک به پایان دوره آموزشی هستیم، ارزیابی شما به چه شکل است؟ اگر پیشنهاد و انتقادی دارید بفرمایید.



سارا ورمزیاری از شرکت مهندسین مشاور پولاد

✱ آموزش رکن اصلی در شرکت هایی مانند مشاور پولاد بوده که به دو دسته آموزش عمومی و تخصصی تقسیم شده است. این آموزش ها برای اعضای کانون بسیار مفید و موثر است. نظرات مدرس سمینار بسیار مفید بود که دیدی کلی به تمام اعضا بخشید، انشاء الله که این آموزش ها ادامه داشته باشد.



سیرانوش دانشوری، شرکت مشاور سرمایه گذاری ارزش پرداز آریان، تحلیل گر بازارهای مالی

✱ اینکه مشاوران علم خود را به روز نگه دارند قطعاً لازم است. افراد پیگیر بازار سرمایه به طور مداوم فعالیت کرده و دلسوز هستند، این افراد قصد خدمت بیشتر به کشور را دارند. حوزه مسائل مالی در سراسر دنیا نوظهور و به نسبت به کشورهای در حال توسعه جدیدتر است. ایران به نسبت کشورهای پیشرفته دیگر در این بخش بسیار عقب است و برگزاری این دوره ها در بلندمدت کمک بسیار زیادی می کند. این کار میزان عقب ماندگی ایران از کشورهای دیگر را نیز کاهش دهد.

✱ شناخت و بررسی شرکت های استارتآپی یکی از دوره های مفید برای برگزاری در کانون است. به نظرم مناسب است که در این دوره ها نحوه شناسایی شرکت های استارتآپی آموزش داده شود. همچنین با توجه به برگزاری سمینار جذب فرصت های سرمایه گذاری می توان سمینارهای بعدی را نیز در این راستا

غلامعلی شهابی، مدیرعامل و رئیس هیات مدیره شرکت کار آفرینان شهاب مهر اصفهان

✱ آموزش برای اعضای کانون مفید است، بنابراین باید تمام اعضا را گرد هم آورد و به آنها آگاهی داد. در این صورت اعضا به صورت یکنواخت به یادگیری مطالب اقدام می کنند.

✱ در درجه اول تمام اعضای کانون مشکلاتی در تعامل با بانک ها، مشتری ها و کارفرماها دارند و قراردادهای آنها با کارفرماها باید از یک الگوی خاص و واحد پیروی کند. بنابراین کانون باید موضوع قراردادهای یکنواخت را مطرح و مسائل کلیدی و قانونی را در آن بگنجاند.

✱ سمینار و مطالبی گفته شد بسیار بود، اما مطالب می توانست حتی بسط بیشتر و گسترده تری می داشت.



قرار داد. در واقع اگر مرحله اول شناسایی این فرصت های شغلی باشد در مقام دوم باید ساز و کار جذب این شرکت ها و نهادهای جاذب آنها را آموزش داد. علاوه بر این قطعاً نهادهایی برای جذب سرمایه گذار تشکیل شده، اما پراکنده و در یکدیگر ادغام نشده اند. بنابراین جست و جو و یافتن آنها اندکی مشکل است و این ارتباط باید از طریق کانون انجام شود، در واقع این مراکز مشخص و نیازهایشان شناسایی شده و شرکت های مشاور مختلف نیز نوع خدمات قابل ارائه خود را می دهند که می تواند راهنما یا راهگشا برای مباحث آینده باشد. همچنین می توان سمینارهایی تحت عنوان (بارش فکری میان مشاوران اعتباری) به راه انداخت تا تفکرات و پیشنهادهای اعضا در ارتباط با نحوه جذب شرکت های استارتآپی روی میز قرار گرفته و درباره آن بحث شود.





دارند بنابراین شرکت کنندگان را باید به دو دسته می کردند و برای شرکت در سمینار پیش نیاز آموزشی قرار می دادند.

محمد خدمتی، مدیرعامل و نایب رئیس هیات مدیره شرکت خدمات مالی دی ایرانیان

« هنگامی که خروجی یک سازمان ملموس و مطلوب نباشد مدیران قادر به اثبات این مساله نیستند که خروجی و تغییر رویکرد سازمان انسانی مجموعه، ناشی از آموزش است. امروز یکی از نقاط ضعف یا قابل بهبود کانون موضوع آموزش است. به عنوان مثال از ۲۰۰ شرکت عضو کانون حداقل نیمی اطلاعات مطرح شده در بحث سرمایه گذاری خارجی را نداشتند، بنابراین شرکت این افراد در آموزش های برگزار شده قطعاً رویکرد و نگاه آنها را تغییر داده و آنها می توانند به دولت برای تحقق افق ۱۴۰۴ کمک کنند.

« بحث سرمایه گذاری خارجی قطعاً یکی از موضوعات مهم است. در بحث تخصصی مشاوره براساس پارامترهای موجود بر آموزش تاکید شده و مخصوصاً این آمادگی از سوی اعضای کانون وجود دارد که همکاران خود را برای فراگیری مسائلی مانند طرح نویسی و... به کانون معرفی کنند.



غلامحسین فرکاریان، مدیرعامل و رئیس هیات مدیره شرکت مهندسين مشاور آرمين فارس (شیراز)

« اگر کانون آموزش محور باشد جایگاه آن به میزانی تقویت می شود که نهادهای قانونگذار به خدمات آن استناد می کنند و در بقا و حفظ آن بیشتر تاثیرگذار است.

« تخصص ها بسیار فراگیر و رشته های تخصصی بسیار حرفه ای شده اند بنابراین به نظر باید حتی در رشته هایی که در آن اعضای کانون گریدهای ویژه ای دارند آموزش های نوین و سرفصل های جدید تعریف کرد تا بتوان ارتقای جایگاه اعضا را انجام داد.

« اولین انتقاد به نحوه برگزاری سمینار مربوط به زمان بندی آن به دو نیم روز است که در صورت برگزاری در صبح و عصر وقت کمتری از شرکت کنندگان به ویژه شهرستانی ها می گرفت. سرفصل های ارائه شده بسیار خوب بودند، اما برخی اعضا در گذشته دوره های سرمایه گذاری را گذرانده و گریدهای ویژه



مینا قدم یاری، شرکت مهندسان مشاور نافع امین

« هدف شرکت در آموزش ها و سمینارها بالا بردن سطح کیفیت شرکت های عضو است. به نظر باید بیشتر در خصوص جذب سرمایه گذار خارجی سخن گفت تا بتوان این امکان را در ایران فراهم کرد. مفاهیم اولیه در این سمینار آموزش داده شد، زیرا آموزش پیش نیاز افزایش کیفیت عملکرد در هر شرکت است.

« دوره های آموزشی در ارتباط با نحوه چگونگی تبلیغات در ارتباط با هر برند یا شرکت به منظور معرفی اعضای کانون به مشتریان از دوره های مفید است.

محمد سعادت، شرکت پارس فرازون



دپارتمان جداگانه ای برای بحث امکان سنجی دارند. آموزش های تخصصی باید در زمینه های سرمایه گذاری، مالی و نرم افزارهای روز دنیا، به عنوان مثال کامفار باشد که علاوه بر شرکت های عضو، مورد نیاز بانک ها نیز است. بسیار خوب است که دوره هایی همتراز با دانش روز دنیا برگزار شود تا سطح دانش مشاوران بالاتر رود. در واقع نیازهای داخلی را با نرم افزار کامفار می توان برطرف کرد، اما بحث تعامل با سرمایه گذار خارجی است که در این صورت نیازمند استاندارد های دیگری هستیم تا بتوانیم همکاری بیشتر و بهتر با شرکت های خارجی داشته باشیم.

✱ در رشته هایی جز مطالعات امکان سنجی، نظارت و رسته های جدید کانون مانند بحث سرمایه گذاری ها، بازاریابی و تمرکز بر بازار، باید آموزش های بهتری انجام گیرد تا سطح دانش کارشناسان شرکت ها بالاتر رفته و بگونه بهتری به سرمایه گذاران مشاوره دهند.

✱ براساس مسائلی که چندی پیش مطرح شد مشاوران عضو کانون نیازمند آموزش های تخصصی هستند. اصولا مشاوران به دو دسته تقسیم می شوند، مشاوران فعال در زمینه امکان سنجی یا شرکت های فعال در زمینه آلیاژها و کانی های فلزی که

احمد غافری، رئیس هیات مدیره شرکت مهندسین مشاور نافع امین



تدریس و برگزاری سمینار باید با مشارکت مدرس و شرکت کنندگان باشد، در واقع مدرس نباید صرفا مطالب را از روی نوشته ای، خشک و بی روح خوانده و پشت سر هم مطالبی را عنوان کند، این روش جاذبه ای برای شرکت کنندگان نخواهد داشت. در صورت وجود فضایی خشک در جلسه حتی در صورت کامل بودن اطلاعات، فرد قادر به تحمل بیش از نیم ساعت سمینار نیست.

✱ مشوق های دولت در زمینه سرمایه گذاری خارجی، باید در راستایی باشد که مردم ایران و سرمایه گذاران داخلی به سرمایه گذاری تشویق شده و سرمایه گذاران خارجی در ایران رها شده باقی نمانند و از حضور آنها با برنامه ریزی اصولی استفاده کرد.

✱ اعضای کانون به آموزش نیاز دارند، زیرا ارتقای سطح آموزش کارشناسان و مدیران شرکت های عضو کانون در زمینه سرمایه گذاری داخلی و خارجی برای کشور و سرمایه گذاران داخلی بسیار کمک کننده است. سرمایه گذاران داخلی امروز بسیار بی علاقه شده اند و یا از دانش لازم برخوردار نیستند، بنابراین فردی که بناست آنها را راهنمایی کند باید به اطلاعات روز مجهز باشد. در کشور ما به اصل تجربه در سرمایه گذاری توجهی نمی شود، در واقع اگر به یک مشتری از سوی مشاور گفته شود که تصمیم او فاقد توجهیات فنی، مالی و اقتصادی است نمی پذیرد و در پاسخ عنوان می کند افراد شکست خورده

قبلی دانش و اطلاعات من را در این زمینه نداشتند و در نهایت در سرمایه گذاری شکست خورده اند. بنابراین علاقه مند برگزاری این دوره ها و کلاس ها به منظور تاثیر مثبت بر روند کار اعضای کانون هستیم.

✱ کانون رسته هایی در زمینه های مختلف مانند امکان سنجی، نظارت، ارزیابی طرح، و ... درست کرده، اما کارشناس زبده ای در این زمینه ها وجود ندارد. به عنوان مثال امکان سنجی یکی از وظایف مشاوران است، بنابراین باید در داخل کانون افرادی با دانش برتر از اعضای کانون برای نظارت بر عملکرد مشاوران وجود داشته باشد؛ در حال حاضر این امکان وجود ندارد. در مثالی دیگر اعتبار سنجی به عنوان پدیده ای جدید بیش از ۲۰ الی ۲۵ سال است توسط شرکت نافع امین و راه اقتصاد نوین در ایران بنیانگذاری شده، اما در کانون صرفا یک اسم بوده و اهمیت آن مغفول مانده است.

چرا دولت در بخش نظارت موفق نیست؟

در حاشیه اعلام وصول طرح تحول نظام بانکی در مجلس شورای اسلامی

دکتر علیرضا شیر محمدی



اینکه اگر وزارت صنعت، معدن و تجارت، موافقت اصولی، جواز تاسیس و یا پروانه بهره برداری برای یک واحد تولیدی صادر نموده است، امکان نظارت بر تولید را هم پیش بینی نموده است؟ آیا آن واحد تولیدی مشغول به تولید است؟ با چه ظرفیتی در حال تولید است؟

در حقیقت حوزه نظارت یکی از مهمترین بخش های فعال در حوزه اقتصاد محسوب می شود که در صورت عدم توجه به آن می توان به انحراف کشیده شدن بسیاری از اقدامات مطلوب را در حوزه اجرایی نظاره نمود.

این نتیجه یک نظارت با الگوی صحیح است که می تواند ما را از اجرای تصمیمات مطمئن نماید و نتیجه اجرای آن اقدامات را برای مراحل بعدی تصمیم گیری به واحد اجرایی منتقل نماید. این یک نظارت صحیح است که می تواند ما را به عارضه های اقتصاد آشنا نماید و قدم بعدی که همان عارضه یابی و تلاش برای رفع عارضه ها است را پیشنهاد نماید.

ضعف در حوزه نظارت در بخش اقتصادی خصوصا در حوزه صنعت و بانک که دو بال اصلی برای تقویت تولید ملی محسوب می شود باعث شده است که بیشتر زحمات دولت محترم خصوصا در این بخش در بسیاری از موارد به انحراف رفته و خستگی را بر دوش دولتمردان باقی گذارد.

اما چنانچه دولت خود وظیفه نظارت بر این فرآیندهای گسترده را بر عهده بگیرد امکان پذیر است؟ آیا می تواند بیش از صدها هزار فقره تسهیلات دولتی به واحدهای خصوصی را رصد نماید؟ آیا می تواند ۸۵ هزار واحد تولیدی در کشور را به منظور اطمینان از تولید نظارت نماید؟

امروز در دنیا بخش نظارت به ناظرینی سپرده می شود که عموما از جنس بنگاه های بخش خصوصی و یا دریافت کننده این اعتبارات هستند، چرا که راه های گریز و عدم بکارگیری این منابع را به خوبی می شناسند و به روش های عدم بکارگیری این منابع در امور اختصاص یافته آگاهند.

چرا دولت هانمی توانند انحراف منابع بانکی را از سر راه توسعه اقتصادی کشور بردارند؟ حوزه نظارت دولت در بخش منابع بانکی به یکی از بزرگترین معضلات دولت در طول سال های گذشته تبدیل شده و این موضوع باعث هدر رفت منابع کشور شده که می بایست به صورت صحیح در بخش تولید و اشتغال به کار گرفته می شد.

یکی از معضلاتی که امروز گریبان گیر اقتصاد کشور شده، ضعف در حوزه نظارت است که رهبری معظم در سخنرانی خود از عنوان "چشمان باز" برای لزوم تقویت حوزه نظارت استفاده کردند و مقام محترم ریاست جمهوری نیز در آخرین اظهار نظر خود در خصوص از آن با عنوان سوء استفاده تعدادی از بنگاه ها از فرصت فراهم شده یاد نمودند که مبین عدم نظارت کافی در این حوزه است.

اینکه اگر ارز برای واردات کالایی خاص اختصاص داده شده است، آیا دستگاه اختصاص دهنده ارز، فرآیند نظارتی را در فلوچارت خود برای اطمینان بخشی به منظور اجرا تدارک دیده است؟ آیا آن شرکت آن کالای خاص را وارد نموده است؟ آیا به بازار عرضه شده است؟ آیا این اختصاص باعث بهبود وضعیت قبلی شده؟ آیا باید این اختصاص ادامه پیدا کند یا خیر؟

اگر چنانچه منابع برای تقویت تولید در نظر گرفته شده و به فلان بنگاه اقتصادی اختصاص یافته است، آیا آن بنگاه اهلیت و صلاحیت لازم برای دریافت آن منابع را داشته؟ و اگر این اهلیت و صلاحیت را داشته است، آیا این منابع را به همان طرح اختصاص داده و نتیجه لازم را اخذ نموده است؟

اینکه اگر تسهیلات بانکی برای رونق تولید پرداخت شده و یا تسهیلات بانکی برای ایجاد واحد تولیدی تصویب شده، آیا نظارت کافی برای استفاده از این تسهیلات در همان موضوع تدارک دیده شده است؟ آیا دستگاه نظارتی تا پایان دریافت تسهیلات پرداختی بر آن واحد تولیدی نظارت دارد؟

محتوای آموزشی، مربی باصلاحیت و محیط آموزشی مناسب؛ لازمه برگزاری دوره های آموزشی موفق

گزارشگر: آرزو ضیایی

در اجرای اهداف کانون به ویژه هدف مشخص : افزایش دانش تخصصی مشاوران و آموزش مداوم آنان ، برگزاری دوره های آموزشی در دستور کار کانون قرار گرفت و با اعلام و برگزاری " سمینار آموزشی فرصت های سرمایه گذاری ؛ شناسایی، معرفی و جذب " این برنامه کلید خورد .

موضوع ارتقاء سطح دانش تخصصی اعضاء علاوه بر هدف مستقیم خود، غیرمستقیم از طریق افزایش کیفیت کار مشاوران به تحقق حرفه مشاوره سرمایه گذاری که یکی دیگر از اهداف اساسی کانون است، کمک می کندو در نهایت منجر به توسعه بازارکار مشاوران می گردد.

در میزگردی که به منظور بررسی ابعاد مختلف این برنامه در محل کانون تشکیل یافت، خانم هما سادات گوشه رییس اسبق شورای عالی و کارشناس ارشد بانکی، خانم داوری عضو شورای عالی، آقای داوری فر عضو هیأت مدیره انجمن شرکت های مشاور سرمایه گذاری و آقای صادق یزدانی مدیر عامل شرکت نظم پویان صنعت نوین شرکت داشتند و دیدگاه های خود را در این زمینه مطرح کردند.



آرین خواه – از آنجا که برای تقویت اثربخشی دوره های آموزشی، تدوین یک استراتژی و نظام آموزشی گام نخست به شمار می رود، به نظر شما پیش نیاز تدوین این نظام چیست؟

بخش آموزش در ۱۰ سال گذشته بود علاوه بر گردش مالی نیازهای جدیدی مانند مهندسی هزینه و برآوردهای مالی در حوزه مشاوره سرمایه گذاری سبب تقویت جایگاه کانون می شد. موضوع آموزش در سازمان ها به دو صورت برقرار است، در روش اول آموزش از سوی کارفرما الزام آور و به صورت آموزش ضمن خدمت است یا برخی افراد نیاز و کمبود آموزشی

داوری فر- مسئولیت برگزاری دوره های جدید آموزشی از سوی کمیسیون آموزش کانون پذیرفته شده، اگرچه به نظر می رسد استراتژی آموزشی در این زمینه تدوین نشده است، زیرا این کار نیازمند برخی مطالعات و شناخت بیشتر درباره یکی از جنبه های کمتر پرداخت شده توسط کانون یعنی بحث (آموزش) است. این درحالی است که اگر کانون قادر به فعال کردن

معتبر، علمی، قانونی و قابل قبول باشد که از محتوای آموزشی خاصی پیروی کند. محتوا یکی از ابزارهای آموزش است که برنامه ریزی آموزشی را امکان پذیر می کند. کانون علاوه بر نبود محتوای آموزشی، در حال حاضر از سه رکن اصلی دیگر آموزش یعنی مربی رتبه دار و تایید صلاحیت شده، محیط آموزش مانند محیط آموزشی مجازی ویژه نیز بی بهره است. همچنین مدیریت آموزشی به منزله استراتژی آموزش وجود ندارد. کانون به عنوان نهادی انتظامی و تایید



شده برای تدوین برنامه و مدیریت آموزشی باید نگاهی به اسناد بالادستی بیندازد، و از فرصت های بسیار زیاد در منشور اقتصاد استفاده کند. پرسش اصلی، دلایل عدم استفاده از برنامه های توسعه ای و اسناد بالادستی است که می تواند استراتژی مورد نیاز را برای تدوین نیاز سنجی به مسئولان ذی ربط بدهد. همچنین کانون باید مجموعه ها و شرکت های دارای صلاحیت آموزشی همکاری و دوره ها را با کمک آنها راه اندازی کند تا بازار هدف ناخودآگاه به این برنامه ها جلب شوند. مساله چگونگی طرح دوره های آموزشی و برگزیدن آموزش های مجازی یا حضوری است.



را در خود احساس کرده و متقاضی شرکت در کلاس های آموزشی می شوند. معمولاً افراد شاغل در بخش مشاوره سرمایه گذاری خود را یک متخصص پنداشته و هرگز به کمبودهای آموزشی خود توجه نمی کنند. در حالی که جایگاه شرکت مشاور در بخش خصوصی نشان از شناخت و تخصص دارد افراد را با این رویکرد جذب کار می کنند. بنابراین این سازمان ها باید بسیار بالنده باشند که کمبودها و نیازهای آموزشی خود را تشخیص دهند. دغدغه امروز ما بحث چگونگی بررسی نیاز به آموزش در شرکت های مشاور و دلایل عدم انجام این کار در سال های قبل است و پرسش این است که دوره های آموزشی برگزار شده در شرکت های مشاور از سوی کارفرما و کارورز الزام آور بوده اند یا به دلیل کمبود تخصص از سوی شرکت ها نیاز دانسته شده اند.

سادات گوشه: در واقع به این شکل نبوده که آموزش برای کانون اهمیت نداشته، بلکه کانون به عنوان یک سازمان نوپا در این سال ها درگیر اولویت های دیگر بوده است. آموزش و افزایش سطح دانش تخصصی مشاوران به میزانی برای کانون اهمیت داشته که در رتبه بندی گذراندن دوره های تخصصی توسط شرکت های عضو اجباری و الزام آور دیده شده است. در مقابل باید پذیرفت که به مسائلی مانند مسئولیت برگزاری دوره های آموزشی توسط کانون و ورود این نهاد به شاخه های تخصصی آموزش دیگر در این سال ها پرداخته نشده است. هرچند برخی از اعضا این توانمندی و تخصص را داشته و دوره هایی را به صورت فردی برگزار کرده اند. کانون برای خود رسالت برگزاری دوره های آموزشی را ندیده چون توانمندی آن را ایجاد نکرده است.

داوری فر: در زمینه لزوم آموزش در نهادی مانند کانون و وقوف این مرکز به اهمیت آن تردیدی وجود ندارد و اساسا برگزاری این میزگرد نشان دهنده این اهمیت است. همچنین در نظام رتبه بندی از آن غفلت نشده است. بنابراین به نظر من بیشتر باید به نقش کانون در موضوعی مانند آموزش و لزوم برگزاری دوره های آموزشی توسط کانون یا مجموعه ای با تخصص آموزش پرداخت. در هر صورت کانون باید اولویت ها را تشخیص دهد و چارچوب های آموزش را ایجاد و به اعضا توصیه کند. بنابراین لازم است هر روز ساختار نظام رتبه بندی با اولویت آموزش و متناسب با نیازهای آموزشی جدید به روز شود. این اقدامات قطعاً اثرگذار و در چارچوب نیاز سنجی و چگونگی جلب مشارکت موثر اعضا است، زیرا در صورت عدم حفظ چارچوب درست، مشارکت موثر رخ نمی دهد.

یزدانی: کانون نیازمند تدوین استراتژی است تا براساس آن جایگاه و وظایف کانون و اینکه آیا آموزش باید توسط کانون یا شرکت دیگر انجام شود را دریابیم. علاوه بر این با فرض انتظامی بودن کانون نمی توان آن را مجری اجرای برنامه ها و سمینارهای آموزشی دانست، زیرا آموزش بازار محور است و این اصل در درون و بیرون کانون مصداق دارد. بنابراین اگر قصد، خدمات دهی به اعضا یا خارج از اعضا است باید خلق بازار کرد و بازارهای موجود را به دلیل کثرت دوره ها و مجری های آموزشی فراموش کرد. از سوی دیگر هنوز چارچوب و روش های انتظامی کانون مشخص نیست. این در حالی است که از شورای اول کانون، انتظار می رفت فرمت امکان سنجی کانون را به عنوان یک نهاد انتظامی تدوین کنند، اما همچنان از آن بی بهره هستیم و اعضا همچنان در تلاش برای رعایت فرمت های مختلف بانک ها هستند. اگر انتظامی بودن کانون محرز است بنابراین باید مانند سازمان حساب رسی کشوری سازمانی



سادات گوشه: کانون محتوای فرم های بانک را راسا تدوین نکرده، زیرا این نهاد نیز بازار محور است و مفاد گزارشات خود را براساس نیاز مصرف کنندگان و متقاضیان که بانک ها هستند، تعیین می کند. کانون با فرم های مختلف در بانک های مختلف مواجه بوده و فرم بانک صنعت و معدن را که به نسبت سایر بانک ها کامل تر بوده الگو قرار داده است. در هر صورت بانک های مختلف مانند بانک کشاورزی همچنان با کانون مرتبط هستند و براساس فرمت خاص خود تبدلات اقتصادی انجام می دهند. از سوی دیگر شرکت های مشاوره که از سوی سرمایه گذاری برای طرح های امکان سنجی مورد سوال قرار می گیرند درک می کنند که مدنظر سرمایه گذار فرد مشاور برگزیده برای ارزیابی طرح ها و نه ویژگی های مختلف فرمت های بانکی است. بنابراین مساله اصلی تامین نیاز مشتری در مورد امکان سنجی طرح است.

استراتژی آموزشی، امیدواریم در صورت موافقت سایر اعضا همپوشانی میان اهداف کانون و انجمن شرکت های سرمایه گذاری و نظارت طرح ها انجام دهیم تا به اهدافی بزرگ و جامع تر دست یابیم. مدل آموزشی برگزیده شده در کانون برنامه آموزشی سیستمی است. کمیسیون آموزش در شورای پنجم، یادگیری کنترل شده را در اهداف خود دنبال می کند که رویکرد کلی آن معیارهای ارزشی و عملکرد است. نباید از یاد برد که اصلاح مداوم فرایند آموزش از طریق بازخوردهای آموزشی رخ می دهد و برنامه های آموزشی هیچ گاه تمام نمی شوند و هدف مطابقت این برنامه ها با اهداف آرمانی مجموعه است. در واقع بحث ما، شناسایی پیچیدگی میان اجزای مختلف آموزش است تا با این راهبرد به روش های اجرایی و مدل های آموزشی برسیم. علاوه بر این باید مداومت برنامه های آموزشی را نیز برای تعیین مدل آموزش مدنظر قرار داد، زیرا این مداومت نیازمند یک استراتژی دقیق است. امروزه مجموعه های زیادی آموزش های تخصصی می دهند و باید استراتژی آموزش را با رویکرد انتظامی بودن و اهداف اصلی کانون تدوین کرد. خوشبختانه بخش نیازسنجی با توجه به بررسی ها و مطالعات قبلی تا حدودی انجام شده است، اما مسائلی مانند اعتبار آموزش، انتقال، دوره سازمانی و اعتبار بهینه سازی باید مدنظر قرار گیرند. علاوه بر این دریافت آموزش باید داوطلبانه باشد، در واقع کانون باید برنامه ای را پی بگیرد که مشاوران فقدان برخی تخصص ها را در خود و مجموعه احساس کنند. بنابراین نیازمند طرح مباحث جدید و جذاب آموزشی هستیم.

آرین خواه – یکی از مسائل مهم تعاریف آموزش در برنامه کمیسیون آموزشی کانون است که ابتدا باید در آن ارتباط به جمع بندی رسید تا در مرحله اول مطابقت این تعاریف با برنامه های آموزشی آتی کانون مشخص شود.

داوری: ما در برای تدوین برنامه های استراتژیک آموزشی نسبت به برنامه های از پیش تعیین شده در کمیسیون آموزش قبلی کانون بی توجه نبوده ایم و آنها را چراغ راه کرده ایم. طرح هایی مانند اهمیت و نیازسنجی آموزش با توجه به اهداف کانون برنامه ریزی و تهیه شده اند. همچنین در بحث تدوین برنامه

خواهد بود؟ تاکنون به گفته خانم گوشه اولویت های دیگری داشته و در زمینه آموزش نوپاییم. از سوی دیگر یکی از اهداف نیازسنجی تخمین فاصله میان وضع مطلوب و موجود است، آیا کانون به راحتی قادر به در اختیار گیری وضع موجود است؟ خیر. یکی از نقدهای وارده به کانون عدم استفاده این نهاد از امکانات موجود در این زمینه است. نظام کیفی به نوعی خروجی شرکت های عضو کانون است که به طور دائم توسط مسئولان ذی ربط در کانون کنترل می شود. در واقع با توجه به سیستم اطلاعاتی پایه گذاری شده، کانون قراردادهای شرکت ها را می شناسد. هرچند به نظر می رسد کانون با کارفرمایان و نهادهای مصرف کننده گزارش های مشاوران ارتباط خوبی نداشته، اما اگر سیستمی وجود داشت که به محض ثبت هر قرارداد کانون نظر کارفرما و نهاد واسطه (بانک) را می گرفت این دو، نیازهای آموزشی صنف را مشخص می کرد. امروز اگر انجمن بخواهد به عنوان یک عضو از کانون به منظور کار مطالعاتی، اطلاعات اعضا را در اختیار بگیرد متأسفانه اطلاعات خوبی وجود ندارد. هر چند امکانات مورد نیاز کانون به این منظور در رتبه بندی دیده شده اما به نظر می رسد از برخی از امکانات پایه گذاری شده به خوبی بهره برداری نشده است. امروز برخی از شرکت های عضو نهادهای مشابه کانون تاسیس کرده اند؛ این قدرت کانون را نشان می دهد. کانون نقطه درخشان این صنف است. مساله مطرح شده از سوی آقای یزدانی مبنی بر ایجاد بانک اطلاعاتی درست است و مزیت

داوری فر: مساله اصلی آن است که آموزش در کانون را نباید مشابه آموزش در شرکت ها پنداشت زیرا الزامات آموزشی در شرکت ها متفاوت از کانون است. اساسا چرا آموزش در کانون دارای اهمیت است و رابطه اعضا با کانون و نگاه مدیران کانون به بحث آموزش چیست؟ اگر این روابط به درستی تعریف شود رابطه اعضا با کانون یا هر نهاد دیگری هیچ مشکلی نخواهد داشت و اهداف مشخص است. در اساسنامه کانون آموزش و دغدغه ارتقای دانش تخصصی اعضا جزو وظایف اصلی کانون ذکر شده است. این همان دغدغه ای است که در انجمن نیز دنبال می شود. این دغدغه الزامات آور و مشخص است، بنابراین نگاه بازار محور به این دغدغه ذاتا اشتباه است و کانون نمی تواند نگاه درآمدزا داشته باشد که ندارد. نگاه کانون باید کیفی، کنترلی و در مسیر سیاست گذاری باشد. در واقع درآمدزایی مقوله ای کاملا جداگانه از آموزش است و باید روش های درآمدزایی موثرتری داشت. در واقع کانون نباید مجری دوره باشد، زیرا ضمن نداشتن تخصص، لزومی نیز به این کار احساس نمی شود. همچنین کانون اعضا و روابطی دارد که می تواند تجربه آموزشی خود را در اختیار آن می گذارند. اینجانب با نظر خانم گوشه مبنی بر وجود فرمت هایی برای طراحی کانون موافقم و هنگامی که ساختار نیروی انسانی شرکت ها و نحوه امتیازدهی به نیروی انسانی شرکت ها را از نظر می گذرانید تأثیر فرمت بانک صنعت و معدن در نظام رتبه بندی کانون محرز است. آیا کانون در بحث آموزشی موثر

سادات گوشه: در ارتباط با نیاز به آموزش و تداوم آن هیچ تردیدی وجود ندارد، اما ورود کانون به بازار موجود آموزشی با رقبای زیاد و کیفیت های آموزشی مختلف، جذابیت ویژه ای ندارد و هویت برنامه آموزشی کانون می تواند برپایه ویژگی های این نهاد تعریف شود. به عنوان مثال آموزش های مجازی در حوزه سرمایه گذاری و اقتصادی بکر رخ دهد تا بوده و محدودیت های فضای آموزشی نیز وجود نداشته باشد. البته در این صورت باید از اساتید درجه یک استفاده و ساختارهای آموزشی را با تمام ساختارهای آموزش از نقطه ثبت نام تا گرفتن گواهی و به اتمام رساندن موفقیت آمیز دوره آموزشی در فضای مجازی برنامه ریزی کرد. همچنین آموزش باید برپایه برخی ویژگی های نوین و ناشناخته باشد. همچنین می توان در سایت کانون فضایی را برای درج مفاهیم مطرح شده آموزشی به همراه تعاریف آنها اختصاص داد و ماهیت منابع و مآخذ را برای مشاوران ذکر کرد. در واقع این به منزله لغت نامه ای حرفه ای برای دسترسی عموم افراد خواهد بود. همچنین آموزش ها باید برپایه مسائل تخصصی و براساس نیازشناسی در سطوح مختلف با همکاری سازمان های آموزشی دیگر باشد. به عنوان مثال کانون باید دریافت برخی آموزش ها و گواهینامه ها را برای ارتقای شرکت ها از رتبه ب ۳ به ب ۲ الزامی کند. در واقع در این سال ها به اهمیت وجود دوره های آموزشی پرداخته شده، اما به تقسیم بندی سطوح آموزشی کم توجه بوده ایم که در صورت اجرای این تقسیم بندی، به رتبه بندی نیز کمک زیادی کرده ایم.

آرین خواه - در فرآیند برگزاری دوره های مستمر حرفه ای تحلیل موقعیت آموزشی مانند تعیین گام های آموزشی، تبیین رابطه هدف های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت یا ارزیابی تشخیصی تا چه اندازه اهمیت دارد؟

سادات گوشه: برای روشن سازی دقیق این بحث مایلیم تجربه ای کوچک را مطرح کنم. بانک صنعت و معدن از یک استاد بین المللی برای برگزاری یک سمینار دعوت کرد و کانون نیز توانست امتیاز شرکت در این دوره آموزشی را دریافت کند. بنابراین همزمان با تعیین اهداف در دوره های زمانی مختلف باید کار را نیز به کاردان ترها سپرد تا نتیجه بخش باشد.



انجمن های بزرگ دنیا انجام می شود. پیشنهاد آن است که کانون برخی وظایف تدوین و استانداردسازی در زمینه آموزش را به شرکت های دیگر محول کند و در مقابل بخش نظارتی را برعهده بگیرد و به این اقدامات ارزش افزوده دهد. به عنوان مثال اگر گواهینامه ای در انجمن تعریف شود کانون با افزودن آن گواهینامه، تایید و تصویب آن و اضافه کردن آن به سیستم رتبه بندی انجمن می تواند سهم خود را از این سیستم تعریف شده داشته باشد و به گواهینامه ارزش بیشتری دهد. اگر به اساسنامه کانون و وظایف اولیه آن برگردیم؛ این نهاد با انجام وظیفه خود به میزان کافی می تواند اثربخشی داشته باشد و لزومی به ورود به مسائل جزئی تر مانند دغدغه فضا، محیط و منابع آموزشی نیست. در واقع کانون نهادی کنترل کننده و شان آن بالاتر از این مسائل است. از سوی دیگر این مساله مطرح است که آیا کانون می تواند به تنهایی مباحث دانشی مطرح کند، استاندارد بنویسد یا دوره آموزشی مستقل تعریف کند؟

موسسات بزرگ رتبه بندی در دنیا، وجود بانک های اطلاعاتی است. کانون توانسته اولین نهاد بخش خصوصی باشد که نظام رتبه بندی را تدوین و اجرا کرده است. پیش از این مواردی از نظام رتبه بندی توسط بخش دولتی نوشته و از سوی بخش خصوصی و دولتی اجرا شده است، اما هیچ گاه بخش خصوصی در این زمینه پیش قدم نبوده است. در یک صنف اگر مرکز، استاندارد، نظام نامه اخلاقی، سیستم گواهینامه کیفیت و منبع نداشته باشد نمی تواند ادعای وجود نظام آموزشی داشته باشد. کانون قادر به ورود به این مباحث و ایفای نقش کنترلی خود در بحث آموزش و بهینه سازی سیستم های آموزشی است. همچنین می تواند از قابلیت فوق العاده مراکز عضو در برنامه های آموزشی استفاده کند بنابراین نیازی به دخالت کانون در بازار عرضه نیست و نباید رقیب اعضا باشد. در مقابل کانون می تواند به عنوان نهادی معتبر به گواهینامه آموزشی ارزش دهد. این کار در تمام موسسات و



تشکل ها، انجمن ها و... هم قدم شویم. منظور از این تفاهمنامه، انجام اقدامات تخصصی در کانون است، البته برخی از آموزش ها مطابق گفته خانم گوشه باید به صورت مجازی برگزار شود تا اعضای که قادر به شرکت در کلاس های آموزشی حضوری نیستند در این کلاس ها شرکت کنند و اعضای شهرستانی نیز مانند تهرانی ها از مباحث طرح شده در کلاس ها متنفع شوند. امروز نباید گزینشی عمل کرد تا صرفا تهرانی ها از کلاس ها استفاده کنند و شهرستانی ها از آنها بی بهره باشند. بنابراین با رویکرد جامعه هدف، باید در کل کشور برنامه ریزی و برخی از ویژگی ها را در خود ایجاد کرد. باید دستور العمل گذاشت و آیین نامه و چارچوب وضع کرد. در هر صورت آموزش نیز

آرین خواه: بله. اعضای وجود دارند که قادر به انجام این کار هستند و امروز می توان از ظرفیت ها، مهارت ها، تخصص های اعضا و شرکت های عضو استفاده کرد و تصویری جز این نداریم.

داوری: رجوع به اساسنامه در این خصوص بسیار خوب است، برپایه اساسنامه، غیر از اهداف اول و دوم، بند (ج) اهداف ارتقاء دانش تخصصی مشاوران و آموزش مداوم آنهاست. بنابراین کانون می تواند تفاهمنامه ای با هر مجموعه برگزارکننده دوره های آموزش تخصصی منعقد کند تا با همکاری یکدیگر چهارمین هدف کانون یعنی صیانت از حرفه و تخصص مشاوران را محقق کنند. بنابراین برای صیانت از علم و تخصص باید با کارگروه ها،

جزو وظایف ماست.

آرین خواه: غیر از آموزش مداوم لازم، نیازمند آموزش مستقیم و نظارت بر تداوم دوره های آموزشی و تعیین وضعیت مطلوب با وضعیت موجود هستیم. کانون باید به این نیازها امتیاز دهد و بر آنها نظارت کند. بنابراین اگر شرکتی در دوره های آموزشی شرکت نکرد باید بر آن خرد گرفته شود. حال اینکه برگزاری دوره را به نهاد بیرونی، انجمن یا هر نهاد برگزارکننده دیگر بسپاریم، موضوعی متفاوت است. هرچند خود کانون مستقیماً نمی تواند وارد موضوع آموزش شود و باید بستر و شرایط را برای حضور شرکت های دیگر مهیا کند.

داوری فر: هنگامی که از نیازسنجی

آموزشی سخن می گویم به معنای

پایش وضع موجود و پیش بینی وضع

مطلوب است. بنابراین با استفاده از

مکانیزم های خبره سنجی، بنچ مارک

و مقایسه با نظام های پیشرفته وضع

مطلوب بر آورد و با وضع موجود را

مقایسه می شود.

داوری فر: شرایط برای ورود کانون به مسائل آموزشی وجود دارد، اما قطعاً کانون بهره وری لازم را در سیستم آموزشی نخواهد داشت. به عنوان مثال آقای یزدانی ۲۳ سال سابقه آموزشی دارد و شرکت خود را برای مانورهای آموزشی پرورش داده است. بنابراین اساساً چرا کانون باید به مساله آموزش ورود و دوره را با هزینه تمام شده بالاتری از او برگزار کند. همچنین آقای یزدانی نوعی شبکه استادی خود را دارد، در مقابل گلوگاه در دستان کانون است و هیچ نهاد دیگری در این صنف در تمام کشور جامعیت اطلاعاتی مانند کانون ندارد. هر چند امروز روابط کانون با بانک ها شاید اندکی ضعیف است و بانک ها سیستم ارزیابی خود را دارند، اما اگر رابطه کانون و بانک ها به طور کامل برقرار شود کانون ابزارهای ارتباطات خود را برای الزام به مشاوره ایجاد کرده و در نهایت جامعه اطلاعات پایه ای (دیتا بیس) بسیار عالی دارد.

آرین خواه: تصویری کم در این فرآیند حضور در نظام ارزشیابی آموزش نسبت به خود آموزش از اهمیت بیشتری برخوردار است. در واقع باید دید

حاصل آموزش منطبق با رفع نیازهای کانون است یا خیر. **داوری فر:** اتفاقاً بهترین دستورالعمل کانون سیستم رتبه بندی بوده و بی نظیرترین اقدامی است که کانون انجام داده است. این دستورالعمل بسیار قوی و تمام موارد در آن دیده شده است. این اطلاعات امکانات گسترده ای در اختیار کانون می گذارد تا از آنها استفاده کند. به عنوان مثال هدف، نیازسنجی آموزشی است تا بدانید که نقاط ضعف شرکت ها کجاست. بنابراین دیگر نیاز به تهیه پرسشنامه و مصاحبه ندارید، زیرا از قبل تمام این اقدامات انجام شده است. کانون به طور سالانه در سیستم رتبه بندی به شرکت ها مراجعه می کند. مصاحبه ها را انجام داده و مدارک آموزشی را می گیرد و مسائل آنها را می شنود و امروز صرفاً باید به این اطلاعات رجوع کند. بنابراین تمام قدرت کانون در سیستم رتبه بندی آن است و تمام بانک اطلاعاتی موردنیاز را همان جا دارد. در نهایت ممکن است دو یا سه سوال به آن مجموعه اضافه شود. در نهایت نیازی به طراحی نظام موازی به منظور نیازسنجی آموزشی وجود ندارد. بنابراین جای این اقدام، کمیسیون آموزش کانون باید اختیاراتی اتخاذ و به شرکت های عضو رجوع کند و نیازسنجی را از سوی آنها انجام دهد. این کار هزینه زیادی نیز برای کانون نخواهد داشت. این

یزدانی: محتوای یکی از ابزارهای

آموزش است که برنامه ریزی آموزشی

را امکان پذیر می کند. کانون علاوه بر

نبود محتوای آموزشی، در حال حاضر

از سه رکن اصلی دیگر آموزش یعنی

مربی رتبه دار و تأیید صلاحیت شده،

محیط آموزش مانند محیط آموزشی

مجازی ویژه نیز بی بهره است.

درحالی است که پخش تعداد زیادی فرم ارزشیابی در میان اعضا و نیازسنجی زمان، نیرو، انرژی و هزینه زیادی می خواهد. بنابراین نظام پایش بر اطلاعات موجود، نیازهای تمام کمیسیون ها را برطرف و در مطالعات اقتصادی دیتا بیس ویژگی های اقتصادی را تعیین می کند. همچنین در مطالعات فنی، نرم افزارها، دیتا بیس محور هستند. دیتا بیس کانون بی قیمت است و تمام درآمدزایی کانون را نیز پوشش

می دهد. بنابراین اگر بر این نکته کانون تمرکز کنیم تمام نیازهای آموزشی و نیازسنجی ها خودبه خود برطرف می شود. ناخودآگاه، خروجی ها و نیازهای شرکت ها دیده می شود. به اصطلاح برگه هایی را دارید که توسط معلمان (کارفرماها و بانک ها) تصحیح شده است. یکی از روش ها در نیازسنجی های آموزشی دلفی است، روش دلفی تضارب آرا بین خبرگان در تمام جایگاه ها و رفت و برگشت های مکرر است. ممکن است مطالعه دلفی برای نیازسنجی آموزشی یک سال زمان ببرد. این در حالی است که این کار در کانون به صورت خودآگاه انجام می شود.



سادات گوشه: در حال حاضر جامعه اطلاعاتی را به چه شکل و چه مفاهیمی می دانید؟

داوری: اینجانب با حذف بحث نیازسنجی و استفاده از اطلاعات موجود موافق هستم، زیرا اگر مبنای برنامه ریزی را استفاده از تجربیات گذشته قرار دهیم صرفاً بخشی از هدف ارتقای دانش اعضا محقق می شود. علاوه بر این باید برخی نیازها را از قبل پیش بینی کرده، اطلاعات را استخراج کرد و به اطلاعات گذشته اکتفا نکرد. کانون با توجه به تحولات جامعه جهانی و پیشرفت های رخ داده در گذر زمان، دوره هایی برای ارتقای دانش اعضا برگزار خواهد کرد، اما هدف درآمدزایی نیست، زیرا برخی آموزش ها برای ارتقای نظام کانون رایگان و با هزینه کمتر مدنظر بوده است.

داوری فر: دیتا بیس موجود در کانون می تواند به شما اطلاعات نیروی انسانی تمام شرکت ها را بدهد، بنابراین ترتیب نیروی انسانی مشخص است. البته با فرض در اختیار داشتن اطلاعات درست، کانون مکانیزم کار شرکت را می داند و میزان دانش شرکت هم در رتبه بندی مستتر است. اگر هر مجموعه ای جز کانون مشاوران این اطلاعات را از شرکت های مشاور بخواهد طبعاً پاسخ منفی

داوری فر: آموزش بناست چه چیزی را پوشش دهد؟ گاهی از آموزش و ضعف های ساختاری سیستم سخن گفته می شود این دو مبحث جداگانه هستند. بنابراین فرض بر آن است که شرکت خروجی مناسب به دلیل ضعف دانش را ندارد و بناست با آموزش این ضعف پوشش یابد. از دیتابیس مشاوران می توان سیستم خبرگی و نیاز به آموزش آنها را اندازه گرفت. کانون برای فردی با مدرک دکتری یا اساسا نمی تواند برنامه آموزشی در نظر بگیرد یا در مقایسه با فردی دیپلمه برنامه آموزشی دیگری برایش دارد. اگر خروجی شرکت ها را خبره نمی دانیم این ضعف، ساختاری است و با آموزش برطرف نمی شود. اما در غیر این صورت هر مشکلی که با آموزش توان حل آن وجود دارد با این پایش قابل اندازه گیری است.

سادات گوشه: با توجه به تب مدرک گرایی موجود، شخصاً مدرک را روشننگر سطح خبرگی نمی دانم. به عنوان مثال در شرکتی ۶ فرد با مدرک دکتری وجود دارد، اما میزان تخصص آنها با توجه به مدرک تحصیلی سنجیده نمی شود.

داوری فر: این به ضعف سیستم ارزیابی برمی گردد، اما آیا دستورالعمل دیگری برای تعیین سطح خبرگی شرکت ها وجود دارد؟ کار مشاوران صنفی چند رشته ای است و به گونه مستقیم از هیچ دانشکده ای قادر به گرفتن خروجی نیستیم. امروز یکی از معضلات در طراحی سیستم آموزشی میزان دانش مرتبط کارشناس امکان سنجی یا نظارت طرح است. بنابراین دانش چند رشته ای است و این موضوع را باید در آموزش مدنظر قرار داد. این مساله کیفیت مدارک را به خطر می اندازد.

سادات گوشه: امکان سنجی معمولاً کاری تیمی است و هر کجا که فرد به تنهایی اقدام کند امکانات او آسیب زنده خواهد بود. آراین خواه: با شناسایی سطح مدارک و رشته های تخصصی دست کم می توان موضوعات آموزشی را شناسایی و افراد

دریافت خواهند کرد. کانون همچنین اطلاعات قراردادها را در اختیار دارد و کارفرمایان تمام اعضا (قراردادها) را می شناسد. بنابراین می توان سیستم رتبه بندی را به راحتی به روز کرد و الزام به روز شدن آن نیز وجود دارد. هنگامی که کارفرمایان را شناختید به راحتی می توانید از آنها پرسش و کیفیت سنجی کنید. از سوی دیگر بانک ها و هر نهاد مصرف کننده دیگری می توانند با کانون انتظار استمرار تماس و همکاری را داشته باشند تا نقطه ضعف ها از زبان آنها نیز شنیده شود. تمام این موارد سبب مانیتورینگ وضع موجود قدرت و دانش صنف می شود.

یزدانی: با فرض انتظامی بودن کانون نمی توان آن را مجری اجرای برنامه ها و سمینارهای آموزشی دانست، زیرا آموزش بازار محور است و این اصل در درون و بیرون کانون مصداق دارد. بنابراین اگر قصد، خدمات دهی به اعضا یا خارج از اعضا است باید خلق بازار کرد و بازارهای موجود را به دلیل کثرت دوره ها و مجری های آموزشی فراموش کرد.

هنگامی که از نیازسنجی آموزشی سخن می گوئیم به معنای پایش وضع موجود و پیش بینی وضع مطلوب است. بنابراین با استفاده از مکانیزم های خبره سنجی، پنج مارک و مقایسه با نظام های پیشرفته وضع مطلوب برآورد و با وضع موجود را مقایسه می شود. در این میان اگر این دو وضعیت با یکدیگر انطباق داشته باشند بنابراین حرکات کانون تاکنون درست بوده و اگر کانون از اعضا پیشی بگیرد اعضا باید از کانون تبعیت کنند و در نهایت اگر کانون از برنامه اعضا عقب افتاده باشد باید به سوی وضعیت آنها قدم بردارد.

سادات گوشه: کیفیت و محتوای کار مشاوران باید به چه شکلی باشد؟ مساله مهم، کیفیت خروجی کار این شرکت هاست. اگر شرکت احساس محدود کردن بازار کار را داشته باشد در این صورت از برنامه آموزشی ایراد می گیرد، اما اگر آموزش ها را به عنوان ابزاری برای تسهیل فعالیت خود ببیند بسته به نگرش برخورد با مشاور، به گونه دیگری مسئولان را پشتیبانی می کند. بنابراین می توان با ارتباطات قوی تر با سیستم بانکی، سیستم های نظارتی را فعال کرد. وظیفه انتظامی کانون ارتقای سطح دانش مشاوران است که لزوم آموزش را برای کانون حفظ می کند. بنابراین دیتا بیس با ارزش وجود دارد اما این دیتا بیس وقتی مورد استفاده قرار می گیرد که توانمندی مشاوران در کشور سنجیده شود یا کارفرمایان چگونگی استفاده از توانمندی مشاوران را بیاموزند.

فهیمه داوری: مدل آموزشی برگزیده شده در کانون برنامه آموزشی سیستمی است. کمیسیون آموزش در شورای پنجم، یادگیری کنترل شده را در اهداف خود دنبال می کند که رویکرد کلی آن معیارهای ارزشی و عملکرد است. نباید از یاد برد که اصلاح مداوم فرآیند آموزش از طریق بازخوردهای آموزشی رخ می دهد و برنامه های آموزشی هیچ گاه تمام نمی شوند و هدف مطابقت این برنامه ها با اهداف آرمانی مجموعه است.

رسمی، نامحسوس و ارتقا بخشی را طراحی کنند که صرفاً متکی به مدرک نباشد. برای ایجاد این سیستم ایده استارت آپ کاملاً نو نیاز است و منابع مالی آن نیز وجود دارد. اگر بخواهیم آموزش های رسمی و سنتی را ارائه دهیم جواب نمی دهد. کانون باید خلق بازار کند و برای خلق بازار باید برای مشتری جاذبه آموزشی ایجاد کند.

داوری فر: کانون در این مساله نیازی به خلق کردن بازار نداشته و بیشتر نقش شتاب دهنده است، درآمدزایی کانون در وظایف کنونی اش قابل پوشش است و نیازی به آموزش ندارد.

سادات گوشه: اگر کانون بتواند سطح نیازها را در سطوح کارشناسی های مختلف تعیین کند شرکت های مشاور عضو کانون به عنوان یک مرجع، کارشناسانی را به کار می گیرند که کارشناسی آنها از مدرک می آید نه تجربه. این مشاوران کجا آغاز کنند و چه آموزش هایی را در هر رشته ببینند. اگر کانون این دیتا بیس را نیز ایجاد کند کمک به افزایش مرجعیت کانون است. همچنین در نهایت به دیتا بیس مورد اشاره آقای داوری فر خواهیم رسید.

داوری فر: کانون باید به بخش گواهینامه ها ورود کند و به کمک انجمن بیاید. هدف کانون و انجمن ارتقای دانش صنف است. در این گواهینامه پیش بینی شده مشاوران چه آموزش هایی ببینند و فارغ از تحصیلات دانشگاهی با چه سیستمی به جامعیت برسند. به عنوان مثال CFA یک گواهینامه چند رشته ای است که فرد گستره وسیعی از مهارت های مالی را در زمینه شرکتی، ابزارها و ریسک به دست می آورد. به عنوان مثال تحلیلگر بورس می تواند یک سهم را تحلیل بنیادی کند بدون آنکه دانش اقتصادی، مالی و فنی همزمان داشته باشد؟ اگر قادر باشد نیز تحلیل جامع ارائه نمی دهد.

سادات گوشه: در تجارت دنیا پایه های اقتصادی و دیتابیسی را دارند و صرفاً به افراد نحوه استفاده از آنها را می آموزند این موضوع با خلق دانش تفاوت دارد. دانش در بحث فنی خلق شدن نیست، اما باید بتوان از دانش موجود استفاده کرد. بعد خلاء در ایران کمبود این دانش هاست. در بعد آموزشی نقطه شروع برای این جامعیت شاید کارشناسی نباشد و مدیریت است. در واقع جامعیت دانش در مدیریت ها باید الزام آور باشد. بنابراین ابتدا مدیران باید آموزش داده و پرورش یابند و در گام های بعدی آموزش به سطوح کارشناسی برسد. به عنوان مثال حتی در تحصیلات دانشگاهی نیز جامعیت بر مواردی است و هر کس بر نکاتی تاکید دارد و میجر متفاوتی دارد.

بهره وری کامل و تمام اهداف خود رسیده است؟ در این صورت باید توسعه محور نگاه کرد و زمینه های فعالیت خود را گسترش داد. به اعتقاد من همچنان تحقق این اهداف زمان می برد.

یزدانی: آموزش نیاز میرم تمام کسانی است که در مسائل سرمایه گذاری و بانکی و اعتباری فعالیت می کنند. این الزام برای کارشناسان بانکی بیش از دیگران است. زمانی در سازمان پتروشیمی خلیج فارس نیازسنجی آموزشی اعلام شد و یک دوره آموزشی ۳۶ ماهه برگزار و ۱۰ مرتبه تکرار شد و رویکرد سیستم تغییر کرد. راه حل مورد استفاده، آموزش غیرمستقیم نامحسوس است که مدل فکری

هما سادات گوشه: در واقع به این شکل نبوده که آموزش برای کانون اهمیت نداشته، بلکه کانون به عنوان یک سازمان نوپا در این سال ها درگیر اولویت های دیگر بوده است. آموزش و افزایش سطح دانش تخصصی مشاوران به میزانی برای کانون اهمیت داشته که در رتبه بندی گذراندن دوره های تخصصی توسط شرکت های عضو اجباری و الزام آور دیده شده است.

مشابه مجموعه هایی است که ابتدا نیاز را ایجاد و سپس انگیزه لازم را برای فراگیری داوطلبانه فرد فراهم می کند، در واقع هنگامی که به طور مثال اسنپ از مسافر می خواهد هزینه سفر را به صورت اینترنتی پرداخت کند مسافر به مرور این فرآیند را داوطلبانه می آموزد و این کار به مسافر تدریس نمی شود. در واقع این نیاز کاربر است که به یادگیری اپلیکیشن های مختلف منتج می شود. بنابراین لازم است به طور نامحسوس افراد وارد محیط آموزش شوند، شرکت ابزارهایی را طراحی و محیطی را فراهم کند که افراد متوجه نیازهای آموزشی خود بشوند و در این صورت است که برای یادگیری مشتاق و مشتاق تر می شوند. در مورد استراتژی نیز اعضای کانون نیاز دارند یک سیستم آموزشی، غیر

نیازمند دریافت این آموزش ها را مشخص کرد، اما البته تمام کار امکان سنجی تیمی است.

داوری فر: مسلم است که مدیر پروژه می باید در تمام زمینه های امکان سنجی تجربه کافی و دانش حداقلی داشته باشد. یکی از مشکلات دیگر در بخش امکان سنجی، چگونگی ارتباط میان بازار و بخش مالی است. هنگام کار به صورت جزیره ای، ارتباطات توسط مدیر مسلط تر برقرار می شود. اگر از بعد مدرک به دنبال کیفیت برویم توسط بانک و کارفرما متوجه خروجی نامطلوب شرکت های می شویم. البته فرض بر پاسخ دهی مناسب شرکت هاست. بنابراین کارفرما برای اظهار نظر باید به درستی آگاه باشد. بانک نیز باید به میزان کافی آگاه شود تا خروجی مناسب را به کانون بدهد. مشاور در ورود به قرارداد، از کانون تاییدیه می خواهد، اما نباید ارتباط را به این حد کاهش داد، کانون نیز باید بتواند از بانک این درخواست را داشته باشد. هر چند با بانک به راحتی نمی توان به توافق رسید و این ضعفی است که کانون ناچار به رفع آن است. بنابراین باید به گونه ای بانک ها را به این نتیجه رساند که دانش کافی برای پوشش مسائل امکان سنجی ندارند و باید از دانش اعضای کانون استفاده کنند. این از اهدافی است که کانون بیش از آموزش باید بر آنها تمرکز کند. براین اساس برخی از مسائل می تواند از سوی کانون به مراکز و شرکت های علاقه مند واگذار شود.

یزدانی: برای تدوین استراتژی چه باید کرد؟ برخی از وظایف کانون غیرقابل واگذاری است. بنابراین اگر این وظایف واگذار شوند نظارت از دست می رود. بنابراین کانون باید ابتدا وظایف استراتژیک خود را در نظر بگیرد سپس بررسی کند که چه وظایفی به چه شرکتی واگذار شود. علاوه بر این بخشی از وظایف غیرقابل واگذاری هستند، اما می توان از وظایف قابل واگذاری برای کانون درآمدزایی کرد، زیرا کانون می خواهد زنده بماند و اعضا را نیز زندگی ببخشد. در واقع کانون باید مرکزی باشد که گواهینامه های آموزشی را تایید می کند. همچنین این مرکز قصد رتبه بندی دارد و از اعضا می خواهد آموزش های مرتبط را ببیند اما به اعضا نمی گوید این آموزش ها در موسسه ای مورد تایید کانون دیده شود. مساله مهم آن است که ارتقای دانش اعضای کانون انتظارات مشتری ها را بالا می برد. بنابراین هر چه انتظارات مشتری بالا رود اعضای کانون باید پشت او بدونند. مشتری کانون، بانک ها هستند، اما خود بانک ها در چه سطح از دانش قرار دارند؟ **داوری فر:** آیا کانون در بستر اساسنامه خود به

کانون مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری بانکی والنیر دهله مدل و تکنیک نیازسنجی آموزشی در کانون

آموزش به عنوان یکی از اهداف تعیین شده برای کانون با هدف ارتقاء سطح دانش تخصصی اعضای آن، از اولین دغدغه های شورای های عالی ادوار مختلف بود و پس از استقرار این نهاد و تدوین آیین نامه لازم که از اولویت بیشتری برخوردار بود نوبت به پرداختن به این مهم نیز رسید .
گفت و گوی ما با آقای مهندس حیدر عبدلی مدیر امور عضویت و رتبه بندی کانون که در عین حال در سال های گذشته دبیر کارگروه آموزش نیز بود به پیشنهاد این فعالیت برنامه ای می پردازد.



با انجام فراخوان از برخی شرکت هایی که سابقه و قابلیت اجرای برنامه های آموزشی را داشتند، کارگروه آموزشی با حضور نماینده ۵ شرکت عضو در محل کانون تشکیل شد.
با توجه به اینکه سرمایه انسانی شایسته و توانمند منجر به بهره وری یک سازمان می گردد، طراحی و اجرای برنامه های توسعه و بهبود توانمندی کارشناسان و مدیران از طریق طی دوره های آموزشی مرتبط و کسب مهارت، به عنوان یکی از شاخصه ای شایستگی مورد توجه کارگروه قرار گرفت.
• برنامه آموزش کانون چه هدف هایی را در چشم انداز

• آقای عبدلی توجه جدی به برنامه ریزی آموزشی در کانون از چه سالی شروع شد و نخستین مباحث در این زمینه چه بود؟
عبدلی : در راستای اجرای برنامه های تدوین شده سال ۹۳- ۹۲ کانون مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری بانکی، بررسی راهکار و برگزاری دوره های آموزشی یکی از برنامه های کوتاه مدت کانون بود، که در اردیبهشت ۱۳۹۳ در دستورکار کانون قرار گرفت.
بر اساس اطلاعات موجود از توانمندی شرکت ها در دبیرخانه

هزینه‌های بازرسی بر عهده شرکت‌های شهرداریانی ذی نفع است

شورای عالی کانون در نشست یکشنبه ۱۸ شهریورماه در چارچوب برنامه مدیریت هزینه‌های این نهاد، با توجه به افزایش قابل توجه قیمت بلیط پروازها و عدم تکافوی پرداختی اعضای شهرداریانی کانون با هزینه‌های سفرهای بازرسی، تصویب کرد از این تاریخ هزینه‌های رفت و برگشت و اقامتی بازرسان به منظور انجام بازرسی از شرکت‌های عضو شهرداری، بر عهده شرکت ذی نفع خواهد بود.

بدیهی است بخش بازرسی کانون تلاش خواهد داشت تا با تجمیع بازرسی‌های مربوط به اعضای کانون در هر استان تا آنجا که ممکن است هزینه‌های مترتب را بین شرکت‌های ذی نفع تقسیم و نحوه دریافت هزینه‌ها را مدیریت کند.

الزام شعب بانک کشاورزی به پذیرش طرح‌های تهیه شده توسط اعضای کانون

اداره کل اعتبارات و هدایت سرمایه‌گذاری بانک کشاورزی در پاسخ به مکاتبه کانون با ابلاغ نامه ای به کلیه شعب بانک در سراسر کشور، ضمن تأیید این امر که مشتریان اعتباری می‌توانند با مراجعه به شرکت‌های مشاور عضو کانون - با گرایش کشاورزی و صنایع تبدیلی و قبول تعرفه‌های بانک یاد شده - نسبت به تهیه طرح‌های توجیهی (امکان‌سنجی) اقدام کنند، شعب بانک را ملزم به پذیرش طرح‌های تهیه شده به وسیله مشاوران عضو کانون کرد.

کانون مشاوران اعتباری و سرمایه‌گذاری بانکی ضمن سپاسگزاری از مدیریت کل محترم اعتبارات و هدایت سرمایه‌گذاری بانک کشاورزی که از آغاز به کار کانون، از فعالیت و خدمات آن حمایت و استقبال کرده و در این مورد نیز به شفاف‌سازی نحوه استفاده از خدمات اعضای کانون اقدام نموده است، ابراز امیدواری کرد که همکاری‌های متقابل دو نهاد در جهت توسعه و تحقق اقتصاد مقاومتی کشور، پیوسته عمیق‌تر و گسترده‌تر شود.

مربوط به آموزش تدوین شد.

• نتیجه نهایی بررسی‌های کارگروه چه بود؟
عبدلی: دوره‌های آموزشی کوتاه مدت در کانون با رویکرد توسعه آموزش و در سطح شرکت‌های مشاور شامل انواع دوره‌ها در ۳ سطح شناسایی شد.

۱- دوره‌های عمومی ۲- دوره‌های تخصصی در رشته امکان‌سنجی و نظارت ۳- سایر دوره‌ها که این دوره‌ها اختیاری است.

دوره‌های عمومی که به عنوان پیشنیاز دوره‌های تخصصی است آنها شامل:

- دوره‌های آشنایی با مفاهیم پایه اقتصاد مهندسی، مدیریت اسناد و مدارک و اطلاعات، اصول گزارش‌نویسی، امور حقوقی قراردادهاست.

اهم دوره‌های تخصصی شناسایی شده عبارتند از:

- اصول بررسی اقتصادی طرح، اصول بررسی فنی طرح، اصول بررسی مالی طرح و تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی،

- ارزیابی طرح به کمک نرم افزار کامفار ۳،

- نظارت و کنترل مالی طرح، اصول کنترل و نظارت بر طرح‌ها با نرم افزار Primavera p۶.

در آن بررسی‌ها قرار شد دوره‌های آموزشی تحت نظر کانون (و یا نماینده انتخابی) برگزار شود و شرکت‌های عضو دارای رتبه از کانون که در اساسنامه و موضوع فعالیت آن‌ها برگزاری دوره‌های آموزشی قید شده و سوابق آموزشی دارند، می‌توانند به عنوان مجری دوره‌ها انتخاب شوند. اگرچه در دور جدید بررسی‌ها امکان دارد تصمیمات دیگری در ارتباط با مجریان دوره آموزشی با توجه به موضوع دوره، تخصص مجموعه‌های برگزارکننده و یا دیگر عوامل، اتخاذ شود.

اما در هر صورت مجری دوره‌های آموزشی باید دارای مجوز از مراجع ذی ربط باشد و پیشینه فعالیت آموزشی آنها مورد تأیید کانون قرار گیرد.

در آیین نامه مربوط همچنین پیش‌بینی شد، به منظور دستیابی به اهداف آیین نامه و همچنین ترغیب شرکت‌های مشاور عضو کانون جهت حضور گسترده و فعال در دوره‌های مورد نظر، شرکت‌ها و کارشناسان شرکت‌کننده در دوره‌های مصوب کانون براساس ضوابط و سازوکاری که ایجاد می‌شود از امتیاز متناسب برخوردار شوند.

• متشکریم.

خود قرار داده بود و دارد؟

عبدلی: کمک به ارتقاء سطح دانش حرفه‌ای در سطوح کارشناسان و مدیران در راستای موضوعات مرتبط در امر مشاوره مطالعات امکان‌سنجی و نظارت، دستیابی به کیفیت مطلوب و بهینه در ارائه خدمات مشاوره‌ای، دستیابی به استانداردهای کارآمد و مطلوب خدمات مشاوران، به هنگام کردن دانش مشاوره و آشنایی با تازه‌های حرفه مرتبط با سرمایه‌گذاری اهدافی بودند که این کارگروه در برنامه‌های خود قرار داد.

• برای شناسایی نیازهای آموزشی از چه روش‌هایی استفاده شد؟

عبدلی: نیازسنجی و بازنگری دوره‌های آموزشی با در نظر گرفتن تکنیک‌ها و ملاحظات نیازسنجی آموزشی و با توجه به حرفه و فعالیت‌های تخصصی مرتبط با حوزه فعالیت کانون از طریق شرکت‌های عضو و همچنین اعضای شورای عالی برای یک بازه کوتاه مدت ۲ ساله انجام شد، الگوی متعارفی انتخاب شد که براساس آن استراتژی آموزش، نیازسنجی، پایش، اجراء، پشتیبانی و نظارت را مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این رابطه شناسایی هدف - مرتب سازی اهداف برحسب اهمیت - طبقه بندی مبتنی بر نیازهای آموزشی شرکت‌ها، نیازهای آموزشی حرفه‌ای و فردی و یا اولویت بندی مبتنی بر ارتباط نیاز آموزشی با خروجی، ارتباط ماهیت نیاز با موضوعات در حد امکان مورد پایش قرار گرفت.

• بررسی‌های کارگروه آموزشی با تکیه بر کدام منابع و دیدگاه‌ها صورت گرفت و فرآیند کار کارگروه چگونه بود؟

عبدلی: کارگروه از مجموع ۴۰ موضوع دوره‌های پیشنهاد شده از سوی اعضای شورای عالی وقت و اعضای کارگروه را مورد بررسی قرار داد و در نهایت ۳۵ ردیف از موضوع دوره‌های آموزشی مرتبط و کم ارتباط با حرفه را، پس از بررسی مورد تحلیل، دسته بندی، طبقه بندی و سرانجام اولویت بندی کرد و در موضع بحث در جلسات گذاشت.

در این رابطه کارگروه ۱۱ جلسه برگزار کرد، پس از ارزیابی داده‌های دریافتی، از نتایج نیازسنجی در ارتباط با شیوه دستیابی به انتخاب دوره، چگونگی محتوا و تدوین آیین نامه مطرح شد و در پایان پس از مشخص شدن دوره‌های مورد نیاز در ارتباط مستقیم و یا غیر مستقیم با حرفه رشته مطالعات امکان‌سنجی و رشته نظارت بر مصرف منابع، آیین نامه

آژانس‌های توسعه سرمایه‌گذاری و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

Torfinn Harding and Beata SJavorcik

University of Oxford

ترجمه و تنظیم:

علیرضا شیرمحمدی فرد

World Association of
Investment Promotion
Agencies

قسمت اول

توضیحات:

– مقاله حاضر با توجه به تصمیم شورای عالی قانون به ایجاد و توسعه آژانس سرمایه‌گذاری خارجی در قانون مشاوران اعتباری و سرمایه‌گذاری بانکی و با ترجمه مطالعات صورت گرفته از بررسی آژانس‌های توسعه سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف تهیه شده است.

در این بررسی از اطلاعاتی که به تازگی در ۱۲۴ کشور جمع‌آوری شده، استفاده می‌کنیم، تا تأثیر فعالیت‌های ارتقای سرمایه‌گذاری را بر روی جریان‌های داخلی FDI بررسی کنیم. بررسی‌هایی را انجام می‌دهیم، مبنی بر اینکه آیا این بخش‌ها در تلاش‌ها و اقدامات خود به وضوح نمایندگی‌های ارتقای سرمایه‌گذاری را هدف‌گیری می‌کنند تا نظر FDI

(سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) را جلب کنند و سرمایه‌گذاری بیشتری را در دوره بعد از هدف‌گیری، متناسب با دوره قبل از آن و بخش‌های غیرهدفمند، دریافت کنند.

نتایج تحلیل ما سازگار با ارتقای سرمایه‌گذاری هستند و منجر به جریان‌های بیشتر FDI در کشورهایی می‌شوند، که در آنها تشریفات زاید، فساد و بروکراسی اداری اطلاعات، بسیار سخت هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ارتقای سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه – و نه در اقتصادهای صنعتی شده – مؤثر واقع می‌شود.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ارتقای سرمایه‌گذاری، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، بازارهای در حال ظهور، عدم تقارن اطلاعات، تشریفات زاید

مقدمه

کشورها در سراسر دنیا، قدرتمندانه و با جدیت با یکدیگر رقابت می کنند، تا سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) را جذب کنند. سیاست مداران معتقد هستند که FDI می تواند از طریق ایجاد سرمایه اضافی، ایجاد شغل، و انتقال فناوری ها و فنون و اطلاعات خاص جدید در بین مرزهای بین المللی، سهم و همکاری قابل توجهی در رشد اقتصادی سریع تر داشته باشد. مدارک تجربی اخیر حاکی از آنند که همچنین FDI ممکن است منجر به تبلور بهره وری مثبت در شرکت های داخلی بویژه در توسعه صنایع فعلی شود. با ارائه ی این مزیت های بالقوه از جریان های داخلی، یک سؤال مهم برای دولت ها این است که چگونه سرمایه گذاران خارجی را جذب کنند.

در این مقاله، استدلالی را ارائه می دهیم، مبنی بر اینکه ارتقای سرمایه گذاری، یک روش مؤثر از نظر هزینه برای افزایش جریان های داخلی FDI، بویژه در کشورهای در حال توسعه است، که در آنها اطلاعاتی درباره شرایط کسب و کار، به آسانی در دسترس نیست، و شیوه های اداری نیز گرایش به دشواری و سنگینی بیشتر دارند. هدف ما از ارتقای سرمایه گذاری این است که هزینه های معامله را که سرمایه گذاران خارجی با آنها مواجه می شوند، از طریق فراهم کردن اطلاعات (درباره ی فرصت های کسب و کار، قوانین و مقررات رایج، و همچنین هزینه نمایندگی در یک کشور میزبان) و کمک به سرمایه گذاران خارجی در رسیدگی به شیوه های اداری کاهش دهیم. ارتقای سرمایه، یک پدیده گسترده اما در عین حال نسبتاً جدید است. در سال ۲۰۰۱، بیش از ۱۶۰ نمایندگی ملی و بیش از ۲۵۰ نمایندگی عمومی برای ارتقای سرمایه گذاری (IPAها) وجود داشتند (UNCTAD ۲۰۰۱). سرشماری نمایندگی های ارتقای سرمایه گذاری در سال ۲۰۰۵، که توسط بانک جهانی انجام شد، آشکار کرد که ۸۵ درصد از IPAهای پاسخگو در کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۸۰ یا سال های بعد از آن تأسیس شدند.

هدف ما از این بررسی اینست که اثربخشی فعالیت های ارتقای سرمایه گذاری را از طریق آزمودن این سه سؤال، به طور جدی ارزیابی کنیم: سؤال اول: آیا ارتقای سرمایه گذاری، منجر به جریان های داخلی بیشتر FDI می شود؟

سؤال دوم: آیا مدارکی وجود دارد، مبنی بر اینکه فراهم کردن اطلاعات و کمک به شیوه های اداری، کانال های مهمی هستند که از طریق آنها ارتقای سرمایه گذاری، مؤثر واقع می شود؟

سؤال سوم: چگونه می توان هزینه های ارتقای سرمایه گذاری را با منافع که به بار می آورد، مقایسه کرد؟

امکان بررسی ما به وسیله قابلیت دسترسی به داده های جدید که ما آنها را از طریق یک سرشماری در نمایندگی های ارتقای سرمایه گذاری گردآوری کرده

مقاله ی ما در چندین نسبت، متفاوت از بررسی های موجود است. در ابتدا، ما به وضوح بر روی نکته ای تمرکز می کنیم، مبنی بر اینکه آیا ارتقای سرمایه گذاری در کشورهای مؤثرتر است، که در آنها عدم تقارن های اطلاعاتی، بیشتر بوده و شیوه های اداری، سنگین تر و مشکل تر هستند. رسیدگی بر این سؤال در بررسی های قبلی که بر روی جریان های FDI در ایالات متحده تمرکز می کردند، و بر حسب قابلیت دسترسی به اطلاعاتی درباره شرایط تجارت، کاملاً مشابه هستند، یا کشورهای OECD، که تفاوت های بین آنها ممکن است محدود باشد، ممکن نبود.

بودیم و زیر نظر بانک جهانی انجام شد، فراهم گردید. مجموعه داده ها بر حسب محدوده پوشش و سطح جزئیات آنها منحصر بفرد هستند. مجموعه داده ها شامل اطلاعاتی درباره تلاش های ارتقای سرمایه گذاری (یا فقدان وابسته به آن) در ۱۲۴ کشور می شود، که نشان دهنده تمام گروه های درآمد و مناطق جغرافیایی است. تقریباً سه چهارم از پاسخ ها مربوط به کشورهای در حال توسعه می شوند. یک ویژگی بی نهایت مفید از این سرشماری این است که شامل اطلاعات متغیر زمانی می شود که تعیین می کنند که نمایندگی های ارتقای سرمایه گذاری (IPAها) در تلاش های مربوط به ارتقای سرمایه گذاری خود، کدام بخش ها را در اولویت قرار دادند.

استراتژی شناسایی ماتمکی به واقعیتی است مبنی بر اینکه اکثر IPAها بخش های ویژه ای را در تلاش های خود به منظور جذب FDI هدف گیری می کنند. هدف گیری بخش به عنوان بهترین تکنیک توسط افراد متخصص در زمینه ارتقای سرمایه گذاری در نظر گرفته می شود (لوونداهل، ۲۰۰۱؛ پروکش، ۲۰۰۴). همچنین، این تکنیک به ما اجازه می دهد که تأثیر ارتقای سرمایه گذاری را با استفاده از یک نگرش "تحلیل تفاوت" شناسایی کنیم. ما جریان های داخلی FDI را در بخش های هدفمند، قبل و بعد از هدف گیری، با جریان های داخلی FDI در بخش های غیرهدفمند در طول همان دوره زمانی مقایسه می کنیم. تحلیل ما بر مبنای داده هایی درباره FDI بیرونی است که بوسیله کشور و بخش میزبان تجزیه می شوند، و برای دوره ای از سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ در دسترس هستند، و توسط اداره تحلیل اقتصادی US فراهم می شوند. ما بر تغییرات ایجاد شده در محیط تجاری کشور میزبان بوسیله شامل کردن تأثیرات ثابت سالانه در کشور نظارت می کنیم، ناهمگنی بخش ها را در موقعیت های مختلف از طریق شامل کردن تأثیرات ثابت در هر بخش کشور کنترل می کنیم، و همچنین بر لطمه های ناشی از فراهم کردن FDI در بخش های ویژه بوسیله افزودن تأثیرات ثابت در زمان های مختلف بخش نظارت می کنیم. توانایی کنترل تمام این عوامل، امکانی را برای ما فراهم می کند تا تأثیرات ارتقای سرمایه گذاری را به طور معتبری شناسایی کنیم.

از آنجایی که هدف گیری بخش، یک انتخاب از IPA است، تصمیم هدف گیری می تواند پاسخی به تجربه اولیه بخش باشد، که می تواند یک مشکل علیت معکوسی را ارائه دهد. با این حال، زمانی که ما کشورهایی را که در این سرشماری، گزارشی را ارائه دادند مبنی بر اینکه تصمیم هدف گیری بر مبنای موفقیت یا شکست گذشته در جذب FDI در بخش مورد نظر بود، مستثنی می کنیم، نتایج ما تأیید می شوند. بعلاوه، ما هیچ مدرکی را نمی یابیم که حاکی از این باشد که هدف گیری در بخش هایی با جریان های داخلی نسبتاً بالا یا پایین در سال های قبل از هدف گیری اتفاق می افتد. در نهایت، یک آزمایش جدی با یک منبع بیرونی، استراتژی تجربی ما را رد نمی کند.

تحلیل ما به ما اجازه می دهد که یک محاسبه پنهانی را که از نظر هزینه مؤثر است، انجام دهیم. تخمین های ما حاکی از آنند که بخش های هدفمند در مقایسه با بخش های غیر هدفمند در کشورهای در حال توسعه، بیش از دو برابر FDI بیشتری را دریافت می کنند. ما این مقدار را به عنوان یک مقدار محتمل و پذیرفتنی در نظر می گیریم، زیرا بسیاری از بخش ها مقادیر کمتری از FDI را در دوره های مطلق دریافت می کنند.



واقع تأثیرات تلاش های IPA را به جای هر چیز دیگری تسخیر می کنیم.

تحلیل ما به ما اجازه می دهد که یک محاسبه پنهانی را که از نظر هزینه مؤثر است، انجام دهیم. تخمین های ما حاکی از آنند که بخش های هدفمند در مقایسه با بخش های غیرهدفمند در کشورهای در حال توسعه، بیش از دو برابر FDI بیشتری را دریافت می کنند. ما این مقدار را به عنوان یک مقدار محتمل و پذیرفتنی در نظر می گیریم، زیرا بسیاری از بخش ها مقادیر کمتری از FDI را در دوره های مطلق دریافت می کنند. ارقام بودجه سال ۲۰۰۴، از این سرشماری همانند هزینه های آن، نشان می دهند که یک IPA به طور متوسط نود هزار دلار در هر بخش هدفمند صرف می کرد. ما با ترکیب ارقام سود و هزینه به این نتیجه می رسیدیم که یک دلار صرف شده در ارتقای سرمایه گذاری منجر به ۱۸۹ دلار از جریان های داخلی FDI می شود. همچنین، ما محاسبه ی هزینه و سود خود را بر حسب شغل های ایجاد شده در وابسته های خارجی تکرار می کنیم. ما با استفاده از مجموعه داده هایی درباره استخدام در وابسته های خارجی ایالات متحده، نشان می دهیم که بخش هایی که در اولویت هستند، یک افزایش ۶۸ درصدی را در استخدام وابسته ها در زمان مقایسه با بخش های غیرهدفمند تجربه می کنند. این نکته بر ۱۱۵۹ شغل اضافی برای بخش متوسط یا ۷۸ دلار در هر شغل ایجاد شده دلالت دارد.

محاسبات هزینه و سود ما باید با احتیاط کنترل شوند. از یک سو، این محاسبات، فقط تأثیر هدف گیری را در جریان های FDI از ایالات متحده تسخیر می کنند. از آنجایی که به احتمال زیاد، ارتقای سرمایه گذاری، تأثیر مشابهی بر روی سرمایه گذاری از سایر کشورهای منبع دارند، ما در تحلیل خود منافع فعالیت های ارتقای سرمایه گذاری را ناچیز می پنداریم. از سوی دیگر، ممکن است عوامل دیگری نیز وجود داشته باشند، که سهم و

نتایج ما حاکی از آنند که تلاش های ارتقای سرمایه گذاری منجر به جریان های داخلی بیشتر FDI می شوند. به نظر می رسد که ارتقای سرمایه گذاری در کشورهایی که زبان انگلیسی، زبان رسمی آنها نیست، و در کشورهایی که از نظر فرهنگی فاصله زیادی از ایالات متحده دارند، مؤثرتر بوده و قابلیت اجرای بالایی دارد. همچنین، ارتقای سرمایه گذاری، در کشورهایی که دولت های آنها اثربخشی کمتری دارند، و فساد بیشتری در آنها حاکم است، و نیاز به دوره زمانی طولانی تری برای شروع یک تجارت یا کسب یک مجوز ساخت دارند، عملکرد و تأثیر بهتری خواهد داشت. تمام این یافته ها سازگار با ارتقای سرمایه گذاری هستند که مشکلات مربوط به کمیابی اطلاعات و شیوه های طاقت فرسای مربوط به امور اداری را تسکین می بخشند. بعلاوه، زمانی که ما نمونه مورد نظر را به دو بخش کشورهای صنعتی و در حال توسعه تجزیه می کنیم، درمی یابیم که ارتقای سرمایه گذاری، تأثیر مثبتی بر روی جریان های داخلی FDI در جهان در حال توسعه، اما نه در کشورهای صنعتی شده دارد. این یافته سازگار با مشاهده ای است، مبنی بر اینکه گرایش مجوزهای اطلاعاتی و امور اداری در جهتی است که کسب آنها در محیط یک کشور در حال توسعه، مشکل تر است. در نهایت، حتی در زیر نمونه ای از کشورهای در حال توسعه، ما تأیید می کنیم که ارتقای سرمایه گذاری، در مکان هایی با عدم تقارن های اطلاعاتی بیشتر و تشریفات اداری بیشتر، عملکرد بهتر و تأثیر بیشتری دارد.

نتیجه ای مبنی بر اینکه ارتقای سرمایه گذاری در حضور عدم تقارن های اطلاعاتی یا شیوه های اداری پیچیده تر یافته جالبی است که شایستگی مخصوص به خود را دارد. بعلاوه، این یافته نشان می دهد که ارتقای سرمایه گذاری در جاهایی که ما پیش بینی می کنیم و انتظار داریم که اجرا شود، عملکرد بهتری خواهد داشت، بنابراین این نتیجه حاکی از آن است که ما در

اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه استفاده می کنیم، که نه تنها اختلاف زیادی را بر حسب عدم تقارن های اطلاعاتی بالقوه به ما ارائه می دهد، بلکه همچنین نتایج ما را کلی تر می کند. در ثانی، ما یک محاسبه هزینه و سود را اجرا می کنیم، تا دانشی را گسترش دهیم، درباره اینکه آیا سودهای ارتقای سرمایه گذاری، ارزش این هزینه ها را دارند یا نه. و در وهله سوم، ما فعالیت های ارتقای سرمایه گذاری را از کشورهای میزبانی که رقابت می کنند، در نظر می گیریم. یک رشته مربوطه از بررسی ها بر اثربخشی تلاش های ارتقای صادرات رسیدگی می کنند. مجدداً، به نظر می رسد که این نتایج، ترکیبی هستند. "برنارد و جنسن" (۲۰۰۴) یک ارتباط قابل توجه آماری را بین هزینه های ایالات US در ارتقای صادرات و مشارکت شرکت های US مستقر در آن ایالت در بازار صادرات کشف نمی کنند. "جورج، هنری، و استروبل" (۲۰۰۷) با استفاده از داده های ایرلندی، نشان می دهند که امتیازهای صادراتی دولت که به اندازه کافی بزرگ هستند، صادرکننده های فعلی را ترغیب می کنند که با اثربخشی بیشتری در بازار بین المللی رقابت کنند، اما مدارک کمتری را می یابند، که ثابت کنند این امتیازها می توانند افرادی غیر از صادرکننده ها را ترغیب به شروع فعالیت های صادرات کنند. "لدرمان، الاریگا، و پایتون" (۲۰۱۰) با استفاده از داده های میدانی و صحرایی به این نتیجه می رسند، که نمایندگی های ارتقای صادرات، به طور متوسط یک تأثیر قوی و قابل توجه از نظر آماری بر روی صادرات دارند.

در دومین گروه از ادبیات مربوط به بررسی ما، فرض بر این است که عدم تقارن های اطلاعاتی و جو تجاری ضعیف، مانع قابل توجهی را در جریان های سرمایه در بین مرزهای بین المللی تشکیل می دهند. عدم تقارن های اطلاعاتی بین سرمایه گذاران داخلی و خارجی، به عنوان یک توضیح احتمالی برای تعصب داخلی، تمایل سرمایه گذاران برای سرمایه گذاری کمتر در تساوای های حقوق خارجی متناسب با پیش بینی یک مدل انتخاب سهام مطرح شده اند (استولز، ۱۹۸۱؛ آهیرنی، گریور، و وارنوک، ۲۰۰۵). تأثیرات منفی عدم تقارن های اطلاعاتی بر روی جریان های سرمایه، در بررسی های تجربی بایگانی شده اند (پورتس و همکاران، ۲۰۰۵؛ پورتس و ری، ۲۰۰۵؛ جلوس و وی، ۲۰۰۵). بعلاوه، "دائودی و فراترشر" (۲۰۰۵) نشان داده اند که جریان های FDI، "در اصل حساسیت بیشتری نسبت به اختلافات اطلاعات در مقایسه با سرمایه گذاری در تساوای حقوق سهام و و وثیقه های بدهی" دارند. عدم تقارن های اطلاعات، دلیلی هستند برای اینکه "بوند و سامونلسون" (۱۹۸۶) در همکاری نظری خود به این نتیجه می رسند که کشورهایی با بهره وری بالا باید از مشوق های مالیاتی به عنوان علائمی در تلاش های خود استفاده کنند تا FDI را جذب کنند. به همان دلیل، مدل نظری ارائه شده توسط "گوردون و بوونبرگ" (۱۹۹۶) حاکی از آن است که یک کشور وارداتی سرمایه می تواند رفاه و ثروت را از طریق فراهم کردن کمک هزینه سرمایه گذاری، مستقیم خارجی و سایر جریان های داخلی سرمایه از کشورهای خارجی، افزایش دهد. تأثیر منفی فساد بر روی جریان های سرمایه گذاری در تعدادی از بررسی ها بایگانی شده است، که شامل بررسی های ارائه شده توسط "وی" (۲۰۰۰a، ۲۰۰۰b)، "جاوریک" (۲۰۰۴b)، و "جاوریک و وی" (۲۰۰۹)، و غیره می شوند.

این بررسی به شرح زیر سازمان می یابد. در بخش دوم بر روی نقش ارتقای سرمایه گذاری در یک فرایند تصمیم گیری سرمایه گذار تمرکز می کنیم. استراتژی تجربی و داده ها در بخش سوم توصیف می شوند. در بخش چهارم درباره ی نتایج بدست آمده بحث می کنیم، در حالی که در بخش آخر نتایج نهایی را ارائه می دهیم.

مشارکت قابل توجهی با موفقیت در ارتقای سرمایه گذاری دارند، و ما هزینه هایی را برای آنها گزارش نمی کنیم (به عنوان مثال، دسترسی به شیوه های اداری تسریع شده برای بخش های هدفمند). در نهایت، ما باید تأکید کنیم که تحلیل ما تأثیر متوسطی را تسخیر می کند، نه تأثیر کم و حاشیه ای. به عبارت دیگر، نظر ما این نیست که افزایش زیاد در مخارج ارتقای سرمایه گذاری در کشورهایی که قبلاً خود را در چنین تکنیکی درگیر کرده بودند، منجر به افزایش های قابل توجهی در جریان های داخلی FDI خواهد شد. در عوض، ما نتایج خود را بگونه ای تفسیر می کنیم که حاکی از این هستند که کشورهایی که خود را در فعالیت های ارتقای سرمایه گذاری درگیر نمی کنند، ممکن است منفعتی را از چنین فعالیت هایی کسب کنند.

بعلاوه، مجموعه ای از بررسی های قوی، نتایج ما را تأیید می کنند. در ابتدا، ما نشان می دهیم که دربرگرفتن گرایش های زمانی ویژه در هر بخش کشور، هیچ تأثیری بر روی نتایج ما ندارد. در ثانی، ما نشان می دهیم که نتایج ما تأیید می شوند، در صورتی که بخش های خدماتی و صنایع همگانی را مستثنی کنیم. این نکته باعث می شود که ما مطمئن باشیم که یافته های ما بوسیله گشایش همزمان به FDI و هدف گیری صنایع خدماتی که در آنها ورود سرمایه گذاران خارجی محدود به گذشته بود، تحریک نمی شوند. سوماً، ما ثابت می کنیم که کنترل سرمایه FDI در گذشته، که نماینده ای برای تأثیرات تراکم است، تأثیری بر روی ضرایب برآورد شده ندارد. چهارمین نکته این است که ما به منظور نظارت بر این نگرانی که جریان های FDI ممکن است انعکاس ضعیفی از فعالیت های واقعی سرمایه گذاران خارجی باشند (لیپسی، ۲۰۰۷)، ثابت می کنیم که نتایج ما در صورتی تأیید می شوند، که ما از فروش ها یا استخدام وابسته های ایالات متحده در خارج از کشور به عنوان متغیر وابسته خود استفاده کنیم.

در نهایت، ما برای اینکه اطمینان حاصل کنیم که منافع ارتقای سرمایه گذاری را به شکل تهیه اطلاعات و کمک به شیوه های اداری تسخیر می کنیم، نکته ای را بررسی می کنیم، مبنی بر اینکه آیا تأثیر هدف گیری در حضور انگیزه های مالی یا مالیاتی، قوی تر است یا نه. به نظر می رسد که این مورد مهمی نیست. بعلاوه، نتیجه ما بوسیله واقعیتی تأیید می شود، مبنی بر اینکه هیچ مدرکی وجود ندارد که ثابت کند هدف گیری همان بخش بوسیله سایر کشورها در همان منطقه جغرافیایی منجر به انحراف جریان های FDI می شود.

بررسی ما مربوط به دو ادبیات مجزا می شود. اولین مورد، ادبیاتی است که در آن، تأثیرات سیاست های صنعتی مورد ارزیابی قرار می گیرد. در این ادبیات، رشته ای که بیشترین ارتباط را با اثر پژوهشی ما دارد، بر روی ارتقای سرمایه گذاری تمرکز می کند. تعداد معدودی از بررسی های موجود درباره این موضوع، نتایج ترکیبی را تولید می کنند. در حالی که "بونیس و شاتز" (۲۰۰۷) و "چارلتون و دیویس" (۲۰۰۶) مدارکی را فراهم می کنند که حاکی از آنند که ارتقای سرمایه گذاری مربوط به جریان های بیشتر FDI می شود. "هید، ریس، سوئسون" (۱۹۹۹) هیچ تأثیر قابل توجهی را از تلاش های ارتقای سرمایه گذاری کشف نمی کنند.

مقاله ی ما در چندین نسبت، متفاوت از بررسی های موجود است. در ابتدا، ما به وضوح بر روی نکته ای تمرکز می کنیم، مبنی بر اینکه آیا ارتقای سرمایه گذاری در کشورهایی مؤثرتر است، که در آنها عدم تقارن های اطلاعاتی، بیشتر بوده و شیوه های اداری، سنگین تر و مشکل تر هستند. رسیدگی بر این سؤال در بررسی های قبلی که بر روی جریان های FDI در ایالات متحده تمرکز می کردند، و بر حسب قابلیت دسترسی به اطلاعاتی درباره شرایط تجارت، کاملاً مشابه هستند، یا کشورهای OECD، که تفاوت های بین آنها ممکن است محدود باشد، ممکن نبود. در مقایسه با این بررسی ها، ما از یک نمونه گسترده از

بانک صنعت و معدن خواستار همکاری کانون در ایجاد سازوکار پیش برنده تر در ارائه تسهیلات بانکی شد



را به کانون اعلام کنند.

مدیر عامل بانک صنعت و معدن با طرح اهمیت مطالعات عارضه یابی و اینکه این رسته هم در کانون فعال شده است موافقت خود را برای ایجاد مدلی مناسب برای تغییرات مورد اشاره با همکاری کانون اعلام کرد و افزود لازم می داند مدیریت های مختلف بانک در قبال دریافت اطلاعات مورد نیازشان از کانون، اطلاعات لازم و مورد نیاز کانون را از قبیل پرتفوی تسهیلات داده شده در صنایع مختلف توسط بانک، مطالبات مشکوک الوصل و اینکه این مطالبات در کدام بخش هاست و در حال حاضر چه طرحی برای توسعه ملی مناسب است و کشور و بانک باید چه نوع سمت گیری داشته باشد، در اختیار کانون قرار دهند.

در این دیدار که با حضور دکتر آقاییان حقیقت پژوه رییس شورای عالی، دکتر حاتمی یزد، مهندس نیکخو و خانم مهندس راضیه دانش خضری اعضای شورای عالی و علیرضا کریم زاده دبیرکل کانون برگزار شد، مسئولان کانون ضمن تشکر از همکاری های بانک صنعت و معدن در ادوار مدیریت های گذشته و با تأکید به ظرفیت کارشناسی قابل توجه و کم نظیر شرکت های عضو که در ۵ سال گذشته بیش از ۴۰۰۰ طرح موفق را مطالعه و به نظام بانکی و متقاضیان آزاد ارائه کرده اند، آمادگی خود را به توسعه همکاری های متقابل اعلام کردند و بازنگری بانک صنعت و معدن در دستورالعمل های اخیر که قبول طرح از سوی متقاضیان را بدون هرگونه تخصص در امر امکان سنجی ممکن کرده است، خواستار شدند.

مسئولان کانون با توجه به پراکندگی اعضای کانون در سراسر کشور و با تکیه به این واقعیت که مشاوران ذی صلاح عضو کانون، مشاوران معتبر و معتمد نظام بانکی هستند، گسترش تعامل دوسویه را لازمه حفظ و ارتقاء کیفیت گزارش های مشاوران دانستند و خواستار ارتباط تنگاتنگ با مدیریت های مختلف بانک به منظور آشنایی هرچه بیشتر با دستورالعمل های اجرایی و در نهایت کمک به بانک از طریق راهنمایی دقیق مراجعان به بانک شدند.

مدیر عامل بانک صنعت و معدن با تأکید بر برون سپاری امکان سنجی و نظارت بر اجرای طرح ها و همچنین وصول مطالبات بانک یادشده، ظرفیت های کانون مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری بانکی را متناسب با قبول این وظایف دانست و افزود موضوع مهمی که هم اینک در بانک صنعت و معدن مورد توجه جدی است، موضوع ارزیابی صلاحیت و اهلیت متقاضیان تسهیلات و اجرای طرح های صنعتی است.

آقای دکتر حسین مهری با بیان اینکه اغلب طرح های موفق مربوط به کارفرمایان با اهلیت و صلاحیت در صنعت مورد نظر بوده اضافه کرد: ما تعیین شاخص های ارزیابی در این مورد را امری ضروری می دانیم و بر این باوریم که کانون با تکیه بر تجارب ارزشمندی که در طول بیش از یک دهه فعالیت خود به دست آورده است، می تواند مؤثرترین کمک را به بانک صنعت و معدن انجام دهد.

وی که در دیدار با تنی چند از اعضای شورای عالی کانون (بعد از ظهر دوشنبه ۲۸ آبان) سخن می گفت همچنین بر مطالعه شبکه های تأمین و توزیع صنایع در مجموعه مطالعات امکان سنجی تأکید کرد و آن را لازمه موفقیت طرح ها دانست. مهری با اعتقاد به لزوم تغییر سازوکارها و روش ها گفت: باید مکانیزمی انتخاب شود که مشاوران عضو کانون به جای ارتباط با متقاضی، مستقیماً با بانک همکاری و حق الزحمه خود را از بانک دریافت کنند و کارشناسان بانک نیز ارزیابی دقیقی از کیفیت گزارش های دریافتی از مشاوران به عمل آورده و نتیجه

امضای تفاهم نامه همکاری با پست بانک ایران



تفاهم نامه همکاری بین کانون مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری بانکی و پست بانک ایران امضا شد.

از آنجا که پست بانک حمایت از سرمایه گذاری های مولد و مورد نیاز توسعه اقتصادی کشور در بخش صنایع و خدمات مربوط به فناوری اطلاعات را از وظایف ذاتی خود میداند و کانون نیز به پشتوانهی توانمندی اعضای خود و از طریق ارائه خدمات تخصصی ایشان، می تواند با مشارکت در انجام مطالعات امکان سنجی و نظارت بر مصرف تسهیلات بانک را در رسیدن به این بخش از اهداف خود یاری رساند، تفاهمنامه همکاری دو نهاد در ۴ ماده و ۱ تبصره به امضاء رسید.

گفتنی است که پست بانک به عنوان یکی از چهار بانک عامل، پرداخت تسهیلات اشتغال زایی روستایی انتخاب شده است.

هدف بانک از انعقاد این تفاهمنامه، تسهیل فرآیند اعطای تسهیلات با کسب اطمینان از انجام دقیق مطالعات امکانسنجی و اطمینان از مصرف صحیح تسهیلات طرح ها در سرفصل های مصوب است. هدف کانون نیز، تعمیق فرهنگ استفاده از خدمات تخصصی مشاوران در سیستم بانکی و گسترش بازار کار برای مشاوران رتبه بندی شده ی کانون است.

با امضای این تفاهمنامه، پست بانک متعهد شده است به صورت یکپارچه و گسترده در ستاد و شعب خود، در مطالعات امکان سنجی و نظارت بر اجرای طرح و مصرف تسهیلات اعطایی به طرح ها، از مشاوران رتبه بندی شده ی کانون استفاده کند.

همکاری کانون با مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی، کلید خورد

سرمایه گذاری ها نیست و می باید در طراحی های مفهومی به شناسایی و محوریت صادرات تمرکز کنیم.

معاون برنامه ریزی و هماهنگی امور مناطق آزاد تجاری نیز ضمن استقبال از آمادگی کانون جهت همکاری و تمایل مناطق آزاد تجاری به همکاری گسترده با این نهاد افزود: لازمه موفقیت این همکاری دسترسی به داده های در اختیار کانون و انجام کلیه خدمات در طول مدت اجرای پروژه ها از نقطه آغاز تا پایان توسط مشاوران عضو کانون است و مناطق آزاد عرصه مناسبی است که بجد به خدمات مشاوران این نهاد نیاز دارد.

حاتمی یزد عضو شورای عالی نیز با اشاره به تغییر رویکرد مناطق آزاد از واردات به صادرات، گفت با این رویکرد فضای کار مساعدی برای امکان سنجی و تأمین مالی طرح ها در برابر مشاوران سرمایه گذاری فراهم خواهد شد که ظرفیت تخصصی کانون در رسته ها و گرایش های متعدد می تواند به کمک توسعه مناطق آزاد بشتابد.

در ادامه جلسه دکتر معزالدین آمادگی خود را برای تشکیل جلسه مشترک کانون با حضور مدیران عامل مناطق آزاد کشور اعلام و اضافه کرد می توان با ایجاد میز سرمایه گذاری در ساختمان مرکزی مناطق آزاد تجاری و اختصاص آن به کانون، ارتباط دو نهاد را به طور تنگاتنگ حفظ کرد.

دو طرف تمایل خود را برای امضای یک تفاهمنامه همکاری اعلام داشتند.

تنی چند از اعضای شورای عالی کانون در دیدار با معاون برنامه ریزی و هماهنگی امور مناطق آزاد تجاری، صنعتی و ویژه اقتصادی، از ظرفیت ها و توانمندی های کانون و تمایل این نهاد به همکاری های نزدیکتر سخن گفتند. در این جلسه که پیش از ظهر روز دوشنبه ۲ مهرماه در دفتر کار محمد معزالدین معاون برنامه ریزی و هماهنگی امور مناطق آزاد تجاری برگزار شد حاتمی یزد و خانم دانش خضری اعضای شورای عالی و کریم زاده دبیر کل کانون حضور داشتند.

در ابتدا خانم دانش خضری از نحوه تشکیل کانون، اهداف و مأموریت های این نهاد صحبت کرد و سپس با اشاره به دستاوردهای تخصصی کانون به تشریح پتانسیل های موجود برای سرمایه گذاری در استان ها و مناطق آزاد تجاری پرداخت و افزود در چهار سال اخیر بیش از ۴۰۰۰ طرح با سرمایه گذاری ثابت بیش از ۲۲۶۰ هزار میلیارد ریال توسط مشاوران عضو کانون امکان سنجی و نظارت شده که نشانگر ظرفیت تخصصی کانون است و این رقم تازه کمتر از ۵ درصد طرح های اجرایی در کشور را شامل می شود.

وی در ادامه بحث به این واقعیت اشاره کرد که در بسیاری از مناطق آزاد تجاری تجهیزات لازم در اختیار است و فقط باید تکنولوژی وارد کنیم که خیلی هزینه بر نخواهد بود در حالی که هم اکنون SME ها بسیار هزینه بر شده است. او افزود به نظر می رسد در شرایط حاضر بازارهای داخلی پاسخگوی

دالان تاریک مطالبات معوق بانکی

چطور میتوان از بن بست شکل گیری مطالبات معوق بانکی خلاص شد؟



محبوبه فکوری

رسیده که در این بین، بیشترین پرداختی در قالب مشارکت مدنی با ۳۹۹ هزار میلیارد تومان است که البته نسبت به اسفندماه ۱۳۹۶ تا ۲.۵ درصد کاهش نشان داده است. نکته حائز اهمیت آن است که در حال حاضر بانک ها با توجه به قفل شدن بخشی از منابع خود در طرح هایی که بدون بررسی و مطالعه صحیح و در غیبت مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری پرداخت شده، با تنگنای اعتباری برای پرداخت تسهیلات مواجه بوده و حجم بالایی از منابع آن ها در قالب معوقات بانکی، طلب از دولت و بخشی هم در سرمایه گذاری های مربوط به خود آن ها قفل شده است. مسئولان بانکی البته پیشتر هم اعلام کرده بودند که تا ۵۰ درصد منابع بانکی، منجمد شده و امکان استفاده از آن وجود ندارد؛ پس در این حالت، کند شدن روند تسهیلات دهی و شرایط خاص بانک ها برای پرداخت به امری عادی تبدیل شده است و دریافت برای عموم مردم و یا تولیدکنندگان به آسانی انجام نمی شود، آن هم در شرایطی که نرخ سود تسهیلات ۱۸ درصدی موجود، موجب هزینه بالایی برای دریافت کنندگان تسهیلات شده و نسبت به عدم توجیه پذیری اقتصادی آن بارها گله و انتقاد داشته اند. در این میان البته مدیران بانکی هم معتقدند همین نرخ سود ۱۸ درصدی هم نمی تواند پاسخگوی هزینه های موجود بانک ها

موتور نقدینگی و خلق پول همچنان در اقتصاد ایران روشن است. آنگونه که آخرین آمارهای رسمی بانک مرکزی می گوید، حجم نقدینگی به مرز ۱۷۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است که دستکم رقمی برابر با بودجه یک سال کشور است. آنگونه که دولت در لایحه بودجه سال ۹۸ کل کشور آورده است، ۱۷۰۰ میلیارد تومان حجم رقمی است که در قالب این سیاهه دخل و خرج، از سوی دولت دوازدهم به مجلس رفته و هم اکنون در راهروهای بهارستان، در حال چانه زنی برای افزایش و کاهش ردیف های خود است. در این میان، همان طور که حجم نقدینگی بالا می رود، به مراتب دست تولید هم از منابع بانکی کوتاه و کوتاهتر میشود و اکنون بسیاری از تولیدکنندگان از پشتیبانی بانک ها برای حمایت از طرح های تولیدی جدید یا توسعه ای خود تا حدود زیادی ناامید شده اند. واقعیت آن است که بانک ها نیز علی رغم اینکه تلاش می کنند تا خود را با برنامه های دولت در راستای حمایت از تولید وفق دهند، اما یارای رسیدن به آنچه که دولت می خواهد را در اعطای تسهیلات ندارند. آنگونه که آخرین آمار منتشر شده از سوی بانک مرکزی می گوید، مانده تسهیلات پرداختی با رشد ۵.۴ درصدی نسبت به ۱۰۸۲ هزار میلیارد تومان پرداختی در پایان سال قبل، در نیمه اول امسال به ۱۱۴۰ هزار میلیارد تومان



و تبدیل به دارایی‌های به اصطلاح سمی شده و تمامی بخش‌های اقتصادی را متأثر نموده‌اند، چراکه بانک‌ها قدرت وام‌دهی خود را هم از دست داده‌اند. دارایی سمی، به آن دسته از دارایی‌های مالی گفته می‌شود، که قابلیت نقدشوندگی آنها، از دست رفته و بازار ثانوی برای معامله آنها نیز به دلیل کمبود تقاضا، دیگر موجود نیست که این خود معضل بزرگی برای اقتصاد بانکداری در ایران است.

وی می‌گوید: بانک‌ها باید با کمک مشاوران اعتباری و سرمایه‌گذاری، زمینه ارزیابی تسهیلات گیرندگان را پیش از اعطای وام بسنجند که البته بستر قانونی این کار نیز با شکل‌گیری کانون مشاوران اعتباری و سرمایه‌گذاری بانکی فراهم شده است. بنابراین باید زمینه بهره‌مندی از این پتانسیل را بیش از هر زمان دیگری فراهم کرد، چراکه اکنون تنگنای اعتباری وجود دارد و منابع مالی نیز محدود است، پس بهتر است که همین منابع محدود، در جایی هزینه شود که منجر به دارایی مولد شود، نه اینکه در جایی برود که عملاً قفل شده و همین منابع اندک را نیز از بین ببرد.

در این میان، حسین سلیمی، نایب رئیس کمیسیون پول و سرمایه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیز می‌گوید: موسسه‌ای با حضور مشاوران قدر، برای وصول وثایق بانکی تشکیل شده است و همزمان با رسیدگی به پرونده بدهکاران بانکی در کشور، می‌باید برخوردی اقتصادی با هدف سالم‌سازی سیستم بانکی نیز در دستور کار قرار گیرد؛ به عبارت دیگر باید شرکتی صد در صد دولتی تشکیل شود تا وثایق بانک‌ها و دارایی‌های سمی بانک‌ها برای تعیین تکلیف در اختیار این شرکت قرار گیرد این شرکت نیز پس از وصول اموال آن را در اختیار بانک می‌گذارد.

وی می‌افزاید: در این راستا ممکن است بانک ۱۰ درصد، یا کمی بیشتر و کمتر متضرر شود و بخشی از اموالی را که پیش‌بینی میکرد در اختیار دارد از کف بدهد؛ چراکه امکان وصول آن نیست؛ اما در کل این زیان در برابر سالم‌سازی نظام بانکی و پس از آن سیستم اقتصادی ناچیز است و البته تشکیل چنین شرکتی لازم است که با تصویب مجلس شورای اسلامی صورت گیرد تا پروسه تعیین تکلیف، وارد مرحله قانونی شود.

سلیمی می‌افزاید: در گام بعدی باید پیش از پرداخت تسهیلات، ارزیابی‌های دقیقی از وضعیت وام‌گیرنده و متقاضیان حقیقی و حقوقی صورت گیرد. البته پیش از این، برخی پیشنهادات نیز برای تعیین تکلیف بدهکاران بانکی صورت گرفته بود که بر اساس آن، برخی اعضای دولت، پیشنهاد تصویب یک شورای مستقل زیر نظر معاون اول رئیس‌جمهور را داده بودند که تکلیف این معوقات بانکی را مشخص کند.

به ویژه سود سپرده باشد؛ شاید به همین خاطر هم باشد که طبق آخرین گزارش از عملکرد بانک‌ها در تسهیلات دهی، در پایان ششماه نخست امسال، حدود ۳۰۳ هزار میلیارد تومان در شبکه بانکی پرداخت شده است که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۱۲.۱ درصد افزایش دارد؛ اما اینکه چه سهمی از این افزایش، مربوط به تسهیلات جدید است، خود موضوعی است که نباید آن را از دیده دور داشت. در عین حال، رشد تسهیلات دهی بانک‌ها در حالی ثبت می‌شود که با توجه به تنگنای اعتباری آن‌ها در سال‌های گذشته، حرکت به سمت برداشت از بانک مرکزی و جبران منابع، خود به معضلی دیگر برای شبکه بانکی تبدیل شده که به عنوان یکی از عوامل موثر بر بی‌انضباطی بانک‌ها و اثر منفی بر تورم اثر گذار بوده است.

به هر حال داستان تغییرات در تسهیلات دهی بانک‌ها هر چه باشد، منابع بانکی بسیار محدود بوده و همین منابع محدود باید به اهلش اختصاص یابد، موضوع مغفول مانده‌ای که مدت‌هاست علی‌رغم وجود جایگاه‌های قانونی در رابطه با ارزیابی صلاحیت‌ها و اهلیت‌ها در ارایه تسهیلات، مشکلات شبکه بانکی را بیشتر کرده است، موضوع از این قرار است که استفاده از تخصص و توانمندی‌های گروه‌های تخصصی که بتوانند اهلیت و صلاحیت صاحبان طرح‌های صنعتی را در اعطای اعتبارات بانکی تشخیص دهند، میتواند جلوی آب گل‌آلوده معوقات بانکی را از سرچشمه بگیرد. پس حداقل از این جای کار به بعد، جلوی شکل‌گیری مطالبات معوق بانکی گرفته می‌شود.

آنگونه که صاحب‌نظران بانکی می‌گویند، اغلب طرح‌های موفق در بازپرداخت تسهیلات بانکی، مربوط به کارفرمایانی است که صلاحیت و اهلیت آنها پیش از اعطای تسهیلات مورد تأیید قرار گرفته و اینجا است که تجربه ارزشمند سال‌های سال مشاوران عضو کانون مشاوران اعتباری و سرمایه‌گذاری بانکی، به میدان می‌آید و طرحی نو درمی‌اندازد.

ابراهیم بهادرانی، مشاور عالی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در گفتگو با خبرنگار "نامه فرهنگ مشاور سرمایه‌گذاری" با بیان اینکه مطالبات معوق بانکی آفت‌های زیادی را برای اقتصاد ایران همراه آورده است، به این نکته اشاره می‌کند که مطالبات معوق بانکی سرمنشائی دارد که در نهایت، به عدم ارزیابی‌های صحیح از گیرندگان وام، شرایط اقتصادی کسب و کار متقاضی وام و همچنین دریافت وثایقی برمیگردد که به طور قطع در زمان تسهیلات دهی به آنها توجهی نشده است. این موضوع البته ریشه در یک سال و دو سال قبل ندارد؛ بلکه سال‌ها است که سیستم بانکی ایران را آزاد داده و در نهایت سبب این شده است که قدرت وام‌دهی بانک‌ها برای کسب و کارهای امروزی از جمله دانش‌بنیان‌ها کاهش یابد.

وی می‌افزاید: البته نکته حائز اهمیت این است که بانک‌ها در ازای وثایق مطالبات معوقی هم که از مشتریان بدحساب خود دریافت کرده‌اند، عملاً قدرت مانور ندارند و برخی از این وثایق اکنون با مشکلاتی در نقدکردن مواجه شده است، به خصوص اینکه رکود در برخی بازارها از جمله ساخت و ساز و مسکن نیز سبب شده که خرید و فروش وثایق ملکی با مشکلاتی مواجه شود. از سوی دیگر، اکنون نیز وضعیت کسب و کار ایران با مشکلاتی روبه‌رو است که عملاً، کسب و کارهای مولد را دچار مشکل کرده و مسائلی که در حوزه ارز و تلاطمات اقتصادی منجر به شکل‌گیری تورم شده است، بر روی بخش تولید اثرگذار بوده و بسیاری از کسب و کارهای تولیدی را با مشکل مواجه کرده است.

بهادرانی با بیان اینکه بسیاری از وثایقی که از سوی بانک‌ها به عنوان ضمانت ارایه تسهیلات اخذ شده است، قابلیت نقدشوندگی خود را از دست داده‌اند

دمای تورم در ۱۸۸ کشور دنیا



بررسی گزارش های منتشرشده از سوی مراکز جهانی نشر داده نشان می دهد تورم تعداد قابل توجهی از کشورهای دنیا در سال میلادی جاری حول نقطه ۲ درصد بوده است؛ بازه ای که بسیاری از اقتصاددانان آن را محدوده مطلوب رشد قیمت ها معرفی می کنند. در مجموع در بین ۱۸۸ کشور دنیا حدود ۸۸ درصد از کشورها (یعنی ۱۶۲ کشور) در سال ۲۰۱۸ تورم تکریمی را تجربه کرده اند. ۱۲ درصد باقیمانده در دو دنباله «بزرگتر از ۱۰ درصد» و «کمتر از صفر درصد» قرار گرفته اند؛ به طوریکه در مجموع تنها حدود ۱۰ درصد از کشورها تورمی دورقمی داشته اند که از این تعداد، ۵ درصد بین ۱۰ تا ۲۵ درصد و ۵ درصد باقیمانده تورمی بالاتر از ۲۵ درصد داشته اند. به علاوه، حدود ۶ کشور تورم منفی داشته اند. بنابراین بررسی توزیع کشورها براساس تورم نشان می دهد که نسبت قابل توجهی از کشورها به پشتوانه سیاست پولی هدفمند و تعیین تارگت های تورمی، نسخه موثر مقابله با تورم را یافته و مساله تورم، امروزه در اقتصاد دنیا یک مساله حل شده است. این نکته از بررسی توزیع کشورهای دارای تورم تک رقمی بهتر نمایان میشود. از تعداد ۱۶۲ کشوری که تورم تک رقمی را تجربه کرده اند ۱۲۰ کشور تورمی کنترل شده در محدوده ۰ تا ۳ درصد را به ثبت رسانده اند.

در حالی که در چند دهه پیش اقتصاد جهان از بحران تورم مزمن رنج میبرد، امروزه نسخه درمان آن در اقتصاد جهانی شناخته شده و تنها اقتصادهای محدودی با این درد ناخوشایند دست و پنجه نرم می کنند. بررسی توزیع تعداد کشورها بر اساس محدوده های تورم نشان می دهد این تابع توزیع، شکلی مانند «توزیع خی ۲ با درجه آزادی ۴» دارد که عمده وزن داده های آن نزدیک به عدد صفر است. به طوری که ۸۶ درصد از کشورهای دنیا تورم تکریمی (نزدیک به صفر) را در سال جاری تجربه کرده اند که از این تعداد ۶۴ درصد از کشورها تورمی بین صفر تا ۳ درصد داشته اند. بررسی ها نشان می دهد اگر تجربه ابرتورم ونزوئلا به عنوان یک داده پرت از بین کشورها حذف شود، دامنه تورم بین دو کران بالا و پایین توزیع تورم جهانی حدود ۷۸ درصد است. سودان با ثبت ۶۹ درصد در کران بالا و بروندی با منفی ۸/۴ درصد در کران پایین توزیع تورم قرار دارند. نکته حائز اهمیت این است کشورهایی که در کران بالای توزیع تورم جهانی قرار دارند از جمله سودان و آرژانتین، قبل از ورود به دوره های تورمی سیاست پولی انبساطی را نیز تجربه کرده اند. به طور مشابه، کشورهایی که در کران پایین توزیع جهانی تورم قرار دارند قبل از ورود به بازه های تورمی سیاست پولی انقباضی را در پیش گرفته اند. به عنوان مثال در تجربه قطر، نرخ تورم منفی به دنبال رشد منفی نقدینگی اتفاق افتاده است. بنابراین نتیجه بررسی توزیع جهانی تورم نشان می دهد کشورهایی که سیاست پولی را به عنوان ابزار مهار شاخص قیمت به رسمیت می شناسند و به پشتوانه سیاست پولی تورم هدف تعیین می کنند، به میزان رضایتبخشی به اهداف تورمی خود دست می یابند.

سبجش رفاه ذهنی

یک جهان اقتصاد سالانه در معرض تغییرات همگن یا ناهمگنی برحسب مناطق جغرافیایی قرار می گیرد. در یک دوره ممکن است یک منطقه خاص مانند آمریکای جنوبی دامنگیر تورم مزمن شده و «وجه اسمی اقتصادی» آنها حجیم تر شود. در دوره ای دیگر در منطقه ای مانند جنوب شرقی آسیا، رشد اقتصادی بالا تجربه شده و یک اقتصادی در این مناطق از «وجه حقیقی اقتصاد» بسیط تر شود. بنابراین اقتصاد جهانی در مقیاس جغرافیایی در هر دوره در حال تغییرات ناهمگنی است که راوی تغییر رفاه مثبت - منفی در این مناطق است. اینکه اقتصاد جهانی با چه ترکیبی از یک دوره به دوره دیگر گذار کند بستگی به این دارد که سیاست گذاران و برنامه ریزان کشورها یا مناطق مختلف چه برنامه‌ها یا سیاست‌هایی را پی‌ریزی می‌کنند. هر چه اقتصاد در معرض سیاست گذاری های ناهمگن و غیریکنواخت در کشورهای دنیا قرار گیرد، رشد اقتصادی نیز ناهمگن بوده و یک اقتصاد از وجوه مختلف، درجه انبساط متفاوتی را تجربه می‌کند. در سوی مقابل، اگر همه کشورها یا مناطق، برنامه‌ها و سیاست های اقتصادی مشابه و ارجحی را طراحی کنند، انتظار می‌رود درجه ناهمگنی بین رشد اقتصاد مناطق مختلف کاهش یافته و کلاس های درآمدی مختلف کشورها زدوده شود. این نگاه جهان شمول باعث شده تا کشورها تنها روی «تغییرات مطلق اقتصادی» خود متمرکز نشده بلکه رشد نسبی اقتصادی را نسبت به کشورهای دیگر ملاک مناسب تری بدانند. به عبارت دیگر، در یک شرایط انزوا و با نگاه مطلق، شاید سطح تورم ۱۰ درصد برای شهروندان یک کشور نرخ مطلوبی باشد اما چنانچه نرخ تورم جهانی حدود ۲ درصد باشد، شهروندان این کشور دیگر رضایت ذهنی مطلوبی ندارند. بنابراین این بررسی های نسبی است که سهم قابل توجهی از رفاه ذهنی شهروندان را توضیح می‌دهد؛ به همین دلیل کشورها عمدتاً به بررسی و مقایسه متغیرهای رفاهی مانند تورم و رشد اقتصادی در کشورها و مناطق جغرافیایی مختلف می‌پردازند.

ناهمگنی تورم در جهان

بررسی ها نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۸ میانگین تورم جهانی حدود ۳/۸ درصد بوده است؛ یعنی سطح اسمی اقتصاد جهانی به این مقدار منبسط شده است. البته این افزایش حجم در مناطق مختلف دنیا یکسان نبوده به طوری که دامنه تورم جهانی بین مناطق مختلف دنیا در این سال حدود ۱۲ درصد



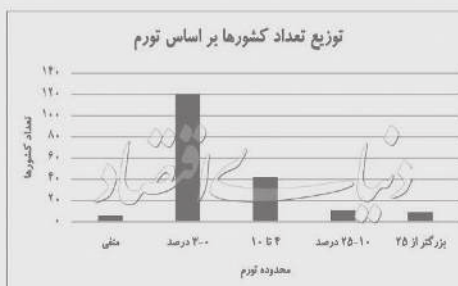
بوده است. به این معنی که حجم اسمی اقتصادی در یک وجه از یک اقتصاد حدود ۱۲ درصد بیشتر از وجه دیگر افزایش یافته است. بر مبنای داده های منتشر شده در سایت tradingeconomics.com، منطقه شمال آفریقا در سال ۲۰۱۸ بیشترین رشد شاخص قیمت سالانه را تجربه کرده است؛ میانگین نرخ تورم در سال ۲۰۱۸ برای کشورهای این منطقه حدود ۱۴ درصد بوده است. در طرف مقابل، اروپای غربی با ثبت ۱/۸ درصد کمترین تورم را در سال ۲۰۱۸ تجربه کرده است. اختلاف ۱۲ درصدی سطح تورم در این دو منطقه اختلاف رشد بخش اسمی اقتصاد در یک جهان را به تصویر میکشد. علاوه بر دامنه تورم، واریانس تورم بین گروه های مختلف کشورها نیز قابل توجه است؛ به این معنی که نرخ تورم مناطق مختلف حول نرخ میانگین یکسان نبوده و با فواصل مختلفی تا کران بالا و پایین قرار داشتند. به عنوان مثال در کران بالای توزیع تورم، بعد از شمال آفریقا، گروه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با نرخ ۱۲/۶ درصد، بعد از آن صحرای آفریقا با ۱۲/۶ درصد و بعد از آن کشورهای خاورمیانه با ۹/۳ درصد قرار دارند. در کران پایین نیز بعد از اروپای غربی، آسیای شرقی با ۲ درصد، آمریکای شمالی با ۲/۷ درصد و آسیای جنوب شرقی با ۲/۹ درصد قرار دارند. بنابراین این توزیع نشان می‌دهد اگر چه نسبت به چند دهه قبل مساله تورم مزمن به خوبی در اقتصاد جهانی حل شده، اما برخی مناطق به طور گروهي از تورم نسبتاً بالا رنج می‌برند.

اقتصاد جهانی در مقیاس جغرافیایی در هر دوره در حال تغییرات ناهمگنی است که راوی تغییر رفاه مثبت - منفی در این مناطق است. اینکه اقتصاد جهانی با چه ترکیبی از یک دوره به دوره دیگر گذار کند بستگی به این دارد که سیاست گذاران و برنامه ریزان کشورها یا مناطق مختلف چه برنامه‌ها یا سیاست‌هایی را پی‌ریزی می‌کنند.



تک رقمی داشته اند. ۱۰ درصد از کشورها یعنی ۲۰ کشور نیز تورمی بالای ۱۰ درصد را تجربه کرده اند. از این تعداد ۱۱ کشور تورمی بین ۱۰ تا ۲۵ درصد و ۹ کشور تورمی بیش از ۲۵ درصد را تجربه کرده اند. بنابراین بررسی توزیع جهانی تورم نشان می دهد تورم در صحنه اقتصاد جهانی یک مساله حل شده است. این در حالی است که در دهه های ۸۰ و ۹۰ بسیاری از کشورهای دنیا از تورم های مزمن رنج می بردند. مقایسه توزیع تورم جهانی در دو دهه ۸۰ و دهه جاری نشان می دهد که کشورها با تکیه بر سیاست پولی هدفمند و تعیین تورم های هدف نزدیک صفر، به اهداف تورمی خود دست یافته اند. این در حالی است که برخی کشورها هنوز از تورم مزمن رنج می برند؛ به این معنی که این کشورهای محدود از فقدان سیاست پولی مستقل و هدفمند که نرخ تورم هدف را تضمین کند، رنج می برند.

بررسی ها نشان می دهد از ۱۸۸ کشور جهان که داده های آنها موجود است، حدود ۱۲۰ کشور یعنی حدود ۶۴ درصد از کشورها تورم بین صفر تا ۳ درصد دارند. اگر فرض شود همه کشورها تورم هدف خود را در این محدوده هدفگذاری کرده اند، می توان نتیجه گرفت حدود ۶۴ درصد از کشورهای دنیا با استفاده از تنظیم سیاست پولی به تورم هدف خود دست میابند. این واقعیت با بررسی شکل توزیع کشورها بر حسب تورم بهتر نمایان می شود. توزیع تعداد کشورها بر حسب محدوده تورم شبیه توزیع خی ۲ با درجه آزادی ۴ است؛ به این معنی که تعداد قابل توجهی از کشورها به تورم نزدیک صفر دست یافته اند. ۶ کشور یعنی حدود ۳ درصد از کشورهای جهان تورم منفی را تجربه کرده اند. ۴۲ کشور یعنی حدود ۲۲ درصد از کشورها تورم بین ۴ تا ۱۰ درصد را در سال میلادی جاری تجربه کرده اند. بنابراین در مجموع ۸۸ درصد از کشورهای دنیا تورم



بانک مرکزی قوی و مستقل زیربنای اصلاح نظام بانکی

در حالی که رییس کل بانک مرکزی از برنامه ریزی برای امر خطیر اصلاح نظام بانکی خبر داده، کارشناسان معتقدند بانک مرکزی قوی و مستقل زیر بنای اجرای این برنامه است.

به گزارش پایگاه خبری بانکداری الکترونیک، رییس کل بانک مرکزی در یادداشتی از برنامه ریزی برای امر خطیر اصلاح نظام بانکی خبر داد و گفته است: به اطلاع کارشناسان و صاحبان نظران میرسانم طی سه ماه گذشته براساس مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و با تشکیل کمیته نقدینگی و بازار پول متشکل از جمعی از صاحبان نظران اقتصادی، پولی و بانکی و مسئولین بانک مرکزی و طی جلسات متعدد برنامه های لازم برای این امر خطیر طراحی شده است و به یاری خداوند متعال به تدریج و با تأیید مراجع ذیربط اجرایی خواهد شد.

عبدالناصر همتی همچنین در این یادداشت آورده است که معضلات پیش انباشته در نظام بانکی و حساسیت این امر نیازمند دقت نظر و تدبیر لازم در اصلاح نظام بانکی می باشد پرهیز از تعجیل، تداوم ثبات بازار پول و صیانت از سیرده های مردم، پیش شرط های هر اقدامی در این زمینه است.

همچنین در این راستا، کمیسیون اقتصادی مجلس بررسی طرحی را در دست بررسی دارد که اصلاح نظام بانکی را هدف گرفته است طرحی که به گفته اعضای این کمیسیون با استقلال بخشی به بانک مرکزی در تلاش است تا نهاد ناظر و رگولاتور بر بانک ها را مستقل کند تا بانک مرکزی بتواند به وظایف نظارتی خود در راستای بهبود ساختار بانک ها عمل کند.

کارشناسان بر این نکته تاکید دارند که اصلاح نظام بانکی بدون داشتن بانک مرکزی با استقلال بالا امکان پذیر نیست و اگر قرار باشد اصلاحی در ساختار بانکی صورت بگیرد، باید توسط بانک مرکزی انجام شود.

محمد خوش چهره، کارشناس مسائل اقتصادی گفت: پیش از ورود به بحث اصلاح نظام بانکی باید مشخص شود براساس چه الزامهایی باید اصلاح نظام بانکی پیگیری شود و پس از آن چه میزان قابلیت اجرای این قانون در کشور فراهم است.

رشد نجومی نقدینگی و به تبع آن رشد شاخص قیمت قرار گرفته است. نقدینگی در این کشور از ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ حدود دوبرابر شده است، از طرفی تورم که در سال ۲۰۱۶ حدود ۱۸ درصد بود در سال جاری با حدود ۴ برابر افزایش به ۶۹ درصد رسیده است. در آژانتین و سایر کشورهای موجود در کران بالای تورم جهانی نیز روند مشابهی تجربه شده است.

در کران پایین توزیع تورم جهانی نیز ۶ کشور «قطر با منفی ۰/۲ درصد»، «برونئی با منفی ۲/۰ درصد»، «رواندا منفی یک درصد»، «کومور منفی ۱/۶ درصد»، «سومالی منفی ۳/۶ درصد»، «بروندی منفی ۸/۴ درصد» قرار دارند. ۴ کشور در آفریقا، یک کشور در خاورمیانه و یک کشور در جنوب شرقی آسیا قرار دارند. بررسی کشورهای کران پایین نیز نشان می دهد رشد شاخص قیمت تابع مستقیمی از نرخ رشد نقدینگی بوده است. سرعت رشد نقدینگی قطر در حالی که در ۵ سال منتهی به ۲۰۱۳ حدود ۲۰ درصد بود، از این سال به بعد روند نزولی گرفت و در سال گذشته رشد نقدینگی به حدود منفی ۴ درصد کاهش یافت. رشد منفی نقدینگی در سال گذشته رشد منفی تورم در این کشور را منجر شده است. بنابراین بررسی دو کران بالا و پایین توزیع تورم جهانی نشان می دهد مهم ترین عامل موثر در تورم های بالا و پایین نوع سیاست پولی و رشد نقدینگی است.

تورم کشورهای همکلاس

بررسی تجربه کشورهای نزدیک به اقتصاد ایران نشان می دهد دامنه تورم در این کشورها حدود ۲۷ درصد است. سوریه با ثبت تورم ۲۷ درصد بیشترین تورم را در بین کشورهای شبیه به اقتصاد ایران داشته است. بعد از آن ترکیه با حدود ۲۲ درصد بیشترین تورم سالانه در سال جاری را تجربه کرده است. بعد از ترکیه نیز یمن با حدود ۱۰ درصد بیشترین تورم را در بین کشورهای مشابه داشته است. نکته حائز اهمیت این است که به جز این ۳ کشور و پاکستان و لبنان که تورمی حدود ۶ درصد داشته اند سایر کشورهای تورمی پایین تر از ۴ درصد تجربه کرده اند به طوری که در بین کشورهای همسایه حدود ۱۲ کشور تورمی بین صفر تا ۴ درصد داشته اند. بنابراین بررسی ها نشان می دهد در بین کشورهای همسایه نیز تورم مساله ای حل شده است و تنها کشورهایی که در معرض تنش سیاسی یا ناآرامی های برونزا قرار دارند، تورم بالا داشته اند.

کران بالا و پایین توزیع تورم

بررسی تجربه کشورهایی که در کران بالا و پایین توزیع تورم جهانی قرار دارند اثر سیاست پولی و اقتصاد سیاسی در دستیابی به تورم هدف را جلوه گر می کند. در مجموع اگر ابرتورم ونزوئلا از توزیع تورم جهانی حذف شود، دامنه تورم جهانی حدود ۷۸ درصد است، سودان با ۶۹ درصد بالاترین و برونئی با حدود منفی ۸/۴ کمترین تورم را تجربه کرده اند. در کران بالای توزیع تورم به ترتیب ۹ کشور «ونزوئلا با تورم بیش از یک میلیون»، «سودان ۶۹ درصد»، «کره شمالی ۵۵ درصد»، «آژانتین ۴۶ درصد»، «سودان جنوبی ۴۲ درصد»، «آفریقای مرکزی ۳۸ درصد»، «ایران ۳۷ درصد»، «لیبریا ۲۷ درصد» و «سوریه ۲۷ درصد» قرار دارند. بررسی ها نشان می دهد در عمده کشورهای

کشورهایی که در کران پایین توزیع

جهانی تورم قرار دارند قبل از ورود به

بازه های تورمی سیاست پولی انقباضی

را در پیش گرفته اند. به عنوان مثال در

تجربه قطر، نرخ تورم منفی به دنبال

رشد منفی نقدینگی اتفاق افتاده است.

بنابر این نتیجه بررسی توزیع جهانی

تورم نشان می دهد کشورهایی که

سیاست پولی را به عنوان ابزار مهار

شاخص قیمت به رسمیت می شناسند و به

پشتوانه سیاست پولی تورم هدف تعیین

می کنند، به میزان رضایت بخشی به

اهداف تورمی خود دست می یابند.

موجود در کران بالای تورم جهانی، روند رشد شاخص قیمت به دنبال رشد نقدینگی اتفاق افتاده است؛ به این معنی که یک متغیر برونزا یا درونزا ابتدا نقدینگی را تحریک کرده سپس بعد از چندماه رشد نقدینگی، دوره رشد شاخص قیمت آغاز شده است. این تجربه در ۳ کشور ابتدای کران بالا به خوبی قابل مشاهده است. در ونزوئلا سیاست های پوپولیستی و کسری بودجه روند رشد نقدینگی را آغاز و شاخص قیمت را به حرکت درآورد. سودان که در سال ۲۰۱۱ به دو بخش سودان و سودان جنوبی تقسیم شد، در سال های اخیر در معرض

کارگاه آموزشی

"از احصاء فرصت تا تدوین و ارائه بسته سرمایه گذاری"

صنعتی، پتانسیل های صادراتی مشوق های سرمایه گذاری و شرایط زیست محیطی از دیگر عوامل مهم در احصاء فرصت های سرمایه گذاری هستند که مورد بحث قرار گرفتند. در بخش دوم این کارگاه تعریف و اجزای بسته سرمایه گذاری، مورد بحث قرار گرفت. امکان سنجی پروژه Feasibility study، ارزیابی صلاحیت Due diligence، تحلیل ریسک و پیشنهاد نحوه مشارکت Partnership تسهیم دستاوردها و سود، سناریوهای قابل پیشنهاد و ارائه بررسی و پیشنهاد مشوق های سرمایه گذاری از جمله قسمت های مهم بسته سرمایه گذاری هستند که در این کارگاه مورد توجه و بررسی قرار گرفتند.

محسن شریف مدیرعامل موسسه سپینود شرق که در حاشیه این همایش سخن می گفت تاکید کرد بسته های سرمایه گذاری برای هر منطقه براساس قابلیت ها و مزیت ها و پتانسیل ها بالقوه و بالفعل آن منطقه باید تهیه شود و تعریف بسته بدون توجه به این مزیت ها هزینه ای بدون نتیجه است. با عنایت به اینکه بسته سرمایه گذاری برای جذب سرمایه گذار تهیه می شود وقتی این بسته ها براساس داده های واقعی تهیه نشوند و یا وقتی با کیفیت نه چندان مناسب تهیه شوند، نمی توانند در جلب اعتماد سرمایه گذاران بالقوه موثر واقع شوند.

مهندس شریف خاطر نشان کرد از دیدگاه ما به عنوان مشاور سرمایه گذاری فرایند احصاء فرصت ها می تواند بسیار دقیق تر و علمی تر انجام شود که اگر این اتفاق بیفتد طبیعتاً بسته های سرمایه گذاری قابل اعتمادتری خواهیم داشت و سرمایه گذاران باتوجه به کیفیت اطلاعات و بسته ها اقدام به سرمایه گذاری خواهند کرد.



نگاه علمی به روش انتخاب، تجزیه و تحلیل، مدل مشارکت و سناریو نگاری فرصت های سرمایه گذاری با هدف جذب سرمایه گذار کارگاه آموزشی "از احصاء فرصت تا تدوین و ارائه بسته سرمایه گذاری" با عنوان فرعی نگاه علمی به روش انتخاب، تجزیه و تحلیل، مدل مشارکت و سناریو نگاری فرصت های سرمایه گذاری با هدف جذب سرمایه گذار در مرکز همایش های کیش برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی موسسه مطالعات راهبردی سپینود شرق (عضو کانون) در بخش اول این کارگاه معیارهای انتخاب فرصت سرمایه گذاری، رویکرد، روش و مراحل احصاء فرصت های سرمایه گذاری مورد بررسی قرار گرفت. برنامه های آمایش، برنامه های توسعه ملی و منطقه ای، اسناد بالا دستی

صنعت، تأثیرات جغرافیا و اقلیم، شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منطقه، حجم سرمایه گذاری، دسترسی به مواد اولیه، دسترسی به بازار و دسترسی به منابع انسانی و زیرساختی، از جمله مهمترین معیارهای احصاء و انتخاب فرصت های سرمایه گذاری هستند. خوشه های



چنانچه دولت، حوزه نظارت بر مصارف منابع بانکی را به بخش خصوصی واگذار نماید، قطعا این بخش با استفاده از ابزارهای نوین خود خواهد توانست این موضوع مهم را به بهترین شکل سر و سامان دهد.

خوشبختانه در اجرای ماده ۵ قانون تسهیل اعطاء تسهیلات بانکی (مصوب ۱۳۸۶/۴/۵ مجلس شورای اسلامی) و با هدف ارزیابی صحیح طرح های سرمایه گذاری و نظارت بر مصرف تسهیلات، کانون مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری بانکی ایجاد و پس از تشکیل مجمع موسس، تصویب اساسنامه و تشکیل شورای عالی با حضور بخش خصوصی و هیات عالی نظارت متشکل از نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی از تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۴ آغاز به کار کرده و در عمر ده ساله خود ضمن تایید صلاحیت و رتبه بندی تخصصی ۲۰۰ مشاور حقیقی ذیصلاح با بیش از ۳۰۰۰ نیروی متخصص در تمامی استان های کشور و بدون تحمیل هیچ گونه با مالی به دولت توانسته است در ده سال گذشته بیش از ۴۰۰۰ طرح به ارزش سرمایه گذاری دو هزار هزار میلیارد ریال را در کشور با الگوی صحیح به منابع بانکی معرفی نماید و حسب بررسی های انجام شده بیش از ۹۵ درصد طرح هایی که توسط اعضا این کانون تهیه، ارزیابی و یا نظارت شده اند، موفق به بازپرداخت اصل سرمایه و سود حاصل از فعالیت به منابع بانکی شده و از آسیب معوقات بانکی، توقف فعالیت و نیز تعطیلی مصون مانده اند که نتیجه ای پر بار را به دلیل واگذاری امر به نهاد صاحب صلاحیت است را به نمایش گذاشته است.

در کارنامه ده ساله فعالیت این کانون که نمادی از همکاری نزدیک بین بخش خصوصی و دولت است به اقرار مدیران در وزارت امور اقتصادی و دارایی و نیز بانک مرکزی، این نهاد توانسته است خدمات ارزشمندی را به بخش پولی و بانکی کشور ارایه نماید و جای تاسف است که علیرغم تاکید وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی، نتایج ارزشمند به دست آمده و پیگیری متعدد در قالب درخواست از همه بانک ها به استفاده از خدمات این کانون که حتی به منظور تسهیل بهره برداری امکان دسترسی تمامی کارشناسان بانک ها به صورت الکترونیکی و در فضای مجازی فراهم شده است، مهیا نگردید و با اطمینان می توان گفت یکی از دلایل عمده وجود معوقات بانکی و زمان بالای اجرای طرح ها را می توان در عدم استفاده از الگوی صحیح ارزیابی طرح، مجریان و نظارت بر مصرف منابع و نهایتا بی توجهی به استفاده از ظرفیت نهاد قانونی و مستقل کانون مشاوران علیرغم وجود بخشنامه ها و دستور العمل ها جستجو نمود.

کانون مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری بانکی به عنوان یک نهاد انتظامی غیر دولتی که بر اساس قانون شکل گرفته و به عنوان یکی از نقاط تبلور همکاری نزدیک بین دولت و بخش خصوصی محسوب می شود را با عنایت به سابقه درخشان بیش از یک دهه نقش آفرینی در همکاری نزدیک بین مجریان طرح ها و بیش از ۱۵ بانک کشور که منجر به تخصیص بهینه منابع محدود پولی شده و حتی اقدامات این نهاد بخش خصوصی به تایید معاونت وزارت اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر لزوم استفاده از خدمات کانون اعلام نیز رسیده و دوران اجرای آزمایشی خود را پشت سر گذاشته است. لذا پیشنهاد بخش خصوصی مبنی بر استفاده از خدمات بخش خصوصی در حوزه نظارت بر فعالیت های خود مورد توجه جدی مجلس شورای اسلامی در این برهه حساس قرار گیرد و تمامی تامین کنندگان منابع پولی و مالی با توجه به مصوبه قانونی مجلس شورای اسلامی، بخشنامه مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی، ضمن تصویب آئین نامه اجرایی قانون، ملزم به استفاده از خدمات ارزیابی و نظارت کانون مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری بانکی شده تا بتوانیم علاوه بر "واگذاری کار مردم به مردم" که همیشه مورد تاکید مجلس محترم شورای اسلامی بوده، ریسک نکول تسهیلات گیرندگان را با یک الگوی مناسب و ساختاری که نتایج آن در بیش از ۴۰۰۰ طرح و در طول ۱۰ سال به تبلور رسیده است را به تمامی طرح های کشوری برای بخش خصوصی و دولتی ارائه داده و در شرایط خطیر امروزی گامی بلند و ماندگار در همکاری با دولت در تخصیص بهینه منابع و نظارت بر مصرف تسهیلات برداریم.



سمینار آموزشی فرصت‌های سرمایه‌گذاری ۲۴ و ۲۵ دیماه

تلفن ها : ۸۸۷۱۳۰۲۰ - ۸۸۷۰۷۲۴۴ - ۰۲۱

نمابر : ۸۸۱۷۷۹۱۰ - ۰۲۱

کد پستی : ۱۴۱۵۸۶۳۸۶۱

پست الکترونیک : info@abcic.ir

پایگاه اطلاع رسانی : www.abcic.ir

نشانی : تهران، میدان آرژانتین ، کوچه نوزدهم ، پلاک ۱۱ ، واحد ۴